

چشم اندازی بر برخی از

آسیب‌های تربیتی مهدویت

مریم معین الاسلام

اشاره

- مقاله حاضر چشم اندازی است بر برخی از آسیب‌های تربیتی مهدویت.
- نگارنده با تأکید بر این مسئله که هر گونه افزایش ثمر بخشی در فعالیت‌های فرهنگی منوط به شناخت و تحلیل آفت‌ها و موانع موجود می‌باشد. ضمناً انجام یک مجموعه تحقیقات بنیادی و میدانی برای دستیابی به میزان آسیب‌مندی جامعه در رابطه با مهدویت را، قبل از هر گونه برنامه‌ریزی در این حوزه، از مقدمات لازم فعالیت می‌داند.
- در بخش دیگر نوشتار، نویسنده به علل مستقیم و غیرمستقیم مؤثر در این فرایند پرداخته است و عمده تأکید مقاله بر ضرورت ایجاد نگرش مثبت با استفاده از روش‌های نوین و آخرین دستاوردهای فن آوری اطلاعات و تکنولوژی و با انتخاب مباحث امید بخش و رعایت اصول تعیین محتوا برای نهادهای سازی و درونی سازی این ارزش می‌باشد.
- نویسنده معتقد است که در صورت محتوا برای نهادهای سازی و رفع اختلال‌های مفهومی و مصداقی که در حوزه مهدویت وارد شده است، می‌توان از این فرهنگ به عنوان مؤثرترین و کارآمدترین ابزار برای تربیت دینی نسل جوان به خوبی بهره گرفت.
- نکته دیگری که در جمع‌بندی به آن توجه شده است، این است که مهم‌ترین گام برای ایجاد نگرش مثبت نسبت به مباحث مهدوی ارائه اطلاعات صحیح است. پس باید افرادی که عهده‌دار انتقال این اطلاعات هستند از صلاحیت‌های لازم شناختی، عاطفی و عملکردی برخوردار باشند تا بتوانند با ارائه اطلاعات اصولی، صحیح و سنجیده، نگرش و یا طرز تلقی افراد جامعه را نسبت به مباحث مهدویت در جهت مثبت تغییر دهند و این مهم‌ترین و مؤثرترین گام برای نهادهای سازی فرهنگ مهدویت است.

مهدویت سرچشمه هر خیر و جلوه‌گاه همه نیکی‌ها و زیبایی‌ها، چشم اندازی زیبا به جهان آینده و رمز پیروزی و استمرار انقلاب اسلامی ایران است. این اعتقاد از توانمندترین عوامل رشد و بالندگی یک جامعه است که آن را از غلتیدن در فسادها و تباهی‌ها حفظ می‌کند. به هر حال زنده ماندن، بالندگی و بقای اسلام و شیعه در گرو این حقیقت بزرگ است.

از سوی دیگر، اهمیت و جایگاه والای فرهنگ مهدویت در آینده تاریخ و اهمیت حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) به عنوان تنها معارض در برابر جهانی سازی، دشمن را به گونه‌ای خیلی جدی به صحنه نبرد و مبارزه کشانده است. در همین راستا صهیونیست‌های مهدی ستیز با هم‌دستان خود با تهیه ده‌ها فیلم و نمایشنامه، آهنگ و سی‌دی‌های گوناگونی تلاش کرده‌اند تا چهره حضرت مهدی (عج) را تخریب کنند و چهره‌های بسیار خشن، مخرب و وحشت‌زاز آن حضرت ارائه دهند. آنان با برنامه ریزی بسیار دقیق بر اساس مبانی روانشناختی و جامعه‌شناختی برای ۲۰۰ سال آینده طرحی منسجم، اصولی و حساب شده و منطبق با مراحل مختلف رشد و ادبیات خاص هر دوره دارند. فعالیت‌های آنان از چنان گستردگی در جهان برخوردار است که حتی کشورهای اسلامی از جمله کشور اسلامی ما هم از این تهاجمات مصون نمانده است. (بلخاری - ۱۳۷۹)

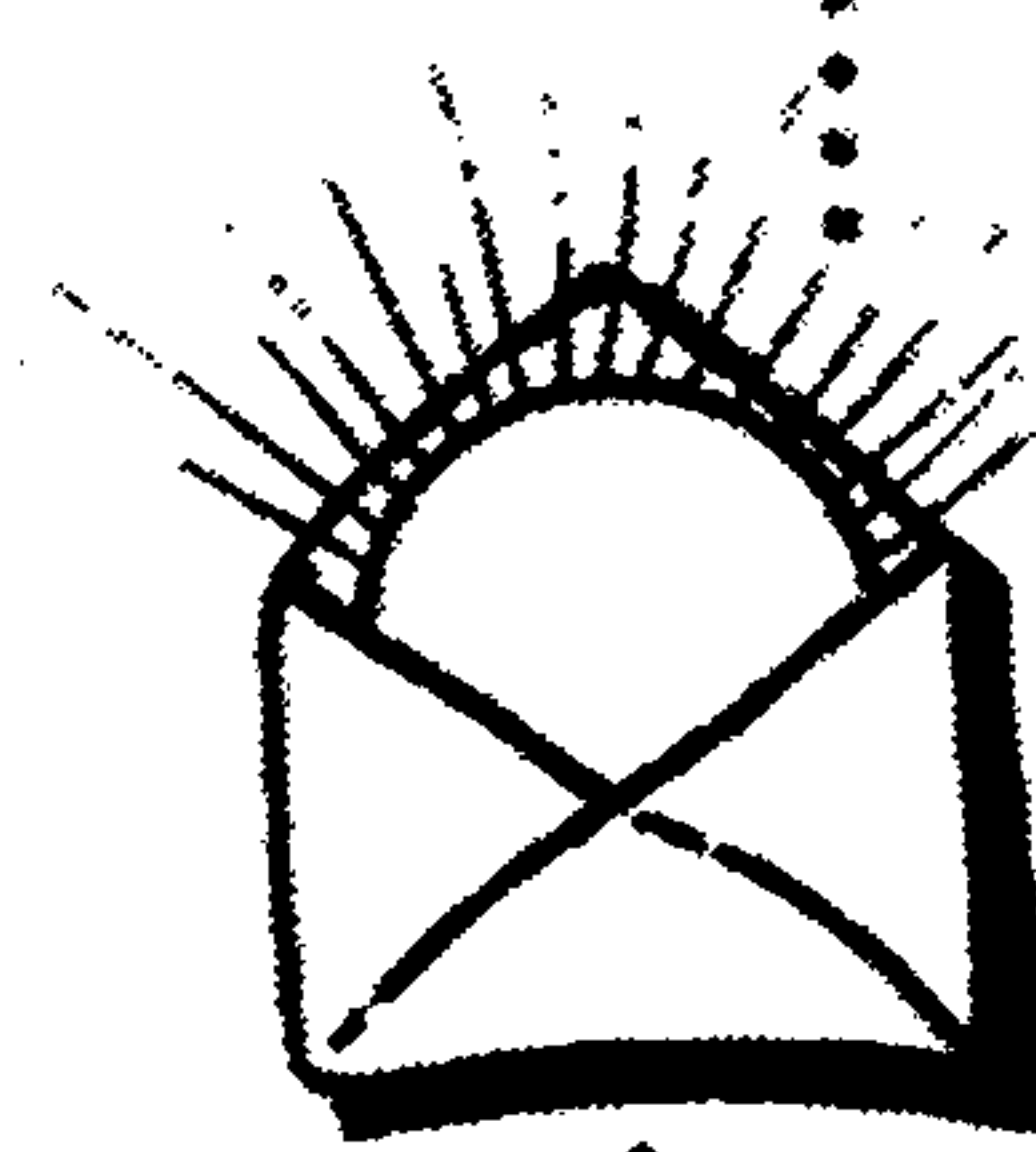
اهمیت مسئله، نگارنده را بر آن داشت که با دید آسیب‌شناسی، به تحلیل موضوع مهدویت بپردازد. آن چه مسلم است این است که تاکنون نتوانسته‌ایم به اندازه توانمان جامعه ولایت مدار را به مصداق آیه «لَا يَكْفُلُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» تربیت کنیم. این نوشتار بر آن است تا درباره آسیب‌شناسی فعالیت‌های فرهنگی در حوزه مهدویت تحلیلی ارائه دهد که قطعی‌نیاز از تیغ نقادی نمی‌باشد. امید است با طرح موضوعاتی از این گونه شاهد تحولی بنیادی در ساختار آموزشی و فرهنگی برنامه‌های مهدویت باشیم و با نهادینه سازی این فرهنگ متعالی، زمینه برپایی حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) را فراهم سازیم.

در پایان لازم است که از زحمات همه متعهدان و دلسوزانی که خردمندان و با آگاهی لازم نسبت به مباحث و با بهره‌گیری از آخرین دستاوردهای علمی به فعالیت در این زمینه پرداخته‌اند تقدیر کنم. هم چنین متذکر این نکته شوم که با توجه به موضوع، در این مقاله بیش تر به نقطه ضعف‌ها و آسیب‌ها پرداخته شده است. گرچه همگان بر این مسئله واقفند که حرکت‌های بسیار خوب و امیدوارکننده‌ای در این زمینه آغاز شده است که امیدواریم همه این عزیزان در انجام رسالت‌های مهدوی خود، هم‌چنان موفق باشند.

ان شاء الله

پیشینه بحث

پژوهش در زمینه آسیب‌شناسی مهدویت، عرصه‌ای جدید و بدون پیشینه تحقیقی در خور توجه است. از این رو این نوشتار، تنها مقدمه‌ای در این باب است و نگارنده امید دارد تا با انجام چنین پژوهش‌هایی باب تحقیق و پژوهش در این مبحث بیش تر گشوده گردد. چرا که هنوز تحقیق نظری یا میدانی در خور توجه، معتبر و جامعی در این باره وجود ندارد. متأسفانه علاوه بر



این که پژوهشی نظام‌مند و بنیادین در این زمینه نداریم، از پژوهش‌های تجربی و میدانی که بتواند بیانگر وضعیت موجود مهدویت در کشور باشد، نیز بی‌بهره می‌باشیم. تحقیقاتی هم که صورت گرفته، عمدتاً بی‌نظم و غیرنظام‌مندند و پژوهشی که تحلیلی، موشکافانه و برخوردار از شیوه‌های ارزشیابی باشد وجود ندارد.

معناشناسی بحث

۱. مفهوم آسیب‌شناسی

آسیب، عاملی است که سبب اختلال، ناهنجاری و آفت در پدیده‌ها می‌شود و آسیب‌شناسی به معنای بازشناسی اختلال‌های مفهومی و مصداقی بحث است. این اختلال‌ها ممکن است در اثر ناکارآمد بودن و ضعف روش‌های پیام‌رسانی و یا محتوای پیام باشد. بعضی از عوامل به صورت مستقیم در ایجاد این اختلال‌ها دخیل بوده (مثل ضعف در محتوا) یا ممکن است به جهت عواملی غیرمستقیم این مسئله رخ داده باشد. به هر حال باید هم اختلال‌ها بازشناسی شود و هم علل ایجاد این اختلال‌ها، که به مجموع این‌ها آسیب‌شناسی گویند.

۲. مفهوم تربیت

صاحب‌نظران تعلیم و تربیت تعریف‌های متعدد و گوناگونی از تربیت ارائه داده‌اند که در این نوشتار، تنها به آخرین تعریفی که در این حوزه به عنوان یک تعریف قابل قبول مطرح است بسنده می‌کنیم و آن عبارت است از: «حرکت از وضع موجود به سمت وضع مطلوب».

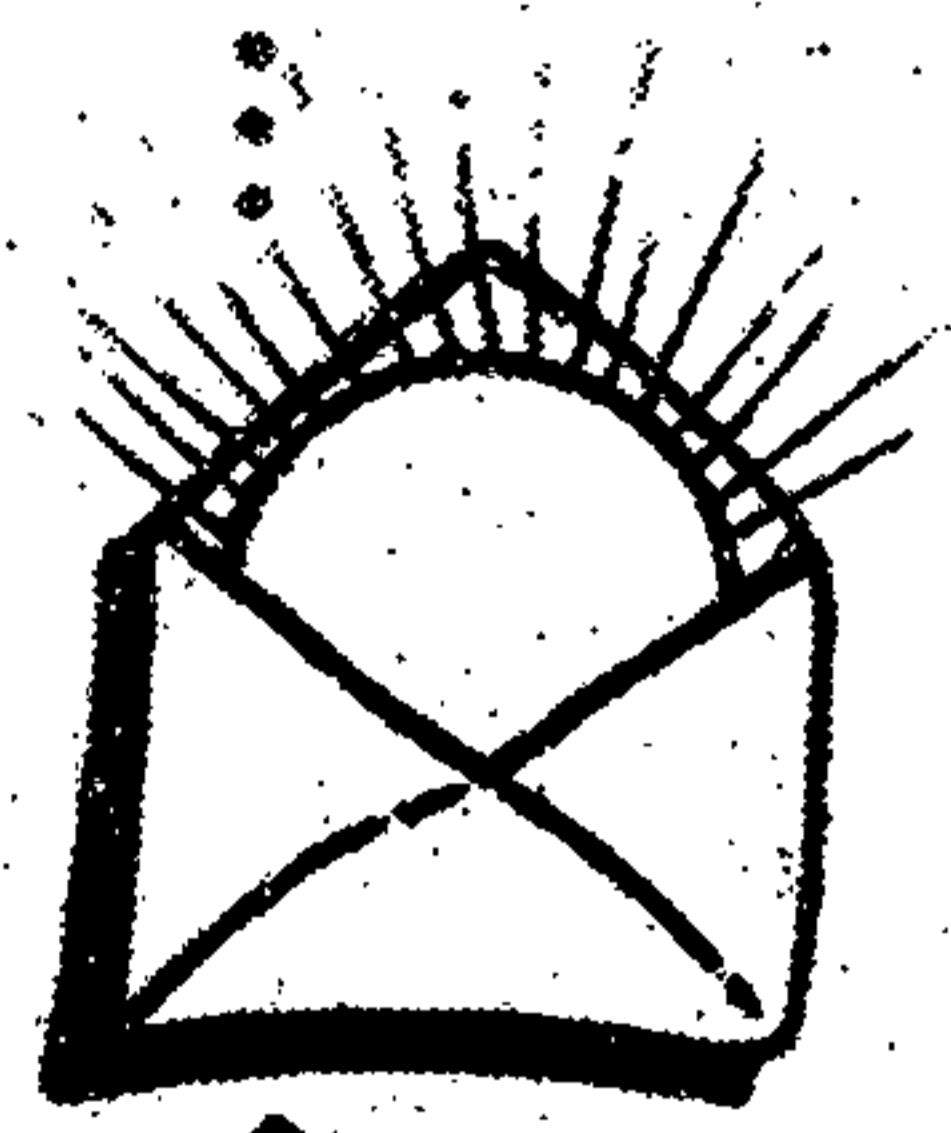
مفهوم آسیب‌شناسی مهدویت

هرگاه مفاهیم و آموزه‌های مهدوی در دین مورد بدفهمی قرار گیرد یا به صورت نابجا القا شود، آسیب‌های چشم‌گیری در این حوزه آشکار خواهد شد. به عبارت دیگر منظور از آسیب‌شناسی مهدویت، این است که کج‌روی‌ها و کج‌اندیشی‌هایی که تا به حال در این مقوله صورت گرفته است، مورد بازشناسی قرار گیرد تا نهایتاً مفاهیم و دیدگاه‌های مهدوی در دین به دور از اختلال‌های مفهومی و مصداقی یاد شده بازشناسی شود.

اهمیت آسیب‌شناسی مهدویت

ثمربخشی تلاش دست‌اندرکاران و مروجان فرهنگ مهدویت، به آسیب‌شناسی مهدویت؛ یعنی شناخت و تحلیل موانع جریان مهدویت و تبیین چگونگی برخورد مؤثر با این عوامل، بستگی دارد.

تربیت مهدوی در مفهوم خاص آن: «مجموعه تدابیر و اقدامات سنجیده و منظم فرهنگی



برای پرورش و تقویت ایمان و باورهای مهدوی» در مخاطبان است. و برای رسیدن به این هدف والا به دو عامل برنامه‌ریزی و آسیب‌شناسی نیازمندیم. از سوی دیگر، اهمیت، اولویت و ضرورت انکارناشدنی تبیین و ترویج فرهنگ مهدویت در نظام دینی، ضرورت توجه به بحث را دوچندان می‌کند.

هم‌چنین باور به حقانیت بحث و رویکرد جدی نسل جوان برای پذیرش باورهای مهدوی و گرایش به آن، همه دست اندرکاران را وامی‌دارد تا برای افزایش ثمربخشی این فرایند و نهادینه سازی فرهنگ مهدویت و یافتن راهکارهای مناسب بر تلاش خود بیافزایند.

باید این نکته مهم را یادآور شد که دست‌اندرکاران امر فرهنگ مهدویت با وجود تلاش زیاد برای تبیین و ترویج این فرهنگ، با ناکامی‌ها و بن‌بست‌های بسیاری روبه‌رو بوده است. البته بسیاری از این ناکامی‌ها برمی‌گردد به کج روی و کج‌اندیشی‌هایی که در این حوزه توسط برخی از مروجان این فرهنگ صورت گرفته است. از این رو جا دارد که به جد به شناختن این کج‌روی‌ها و کج‌اندیشی‌ها اقدام گردد. به بیان دیگر باید به پیرایش و تهذیب مفاهیم و مصادیقی که تا اکنون وارد این فرهنگ شده است پرداخت. در غیر این صورت هرگونه برنامه‌ریزی برای نهادینه سازی این فرهنگ، بی‌نتیجه خواهد بود. کسانی که بدون توجه به بحث آسیب‌ها وارد عمل می‌شوند، هم‌چون باغبانی می‌مانند که بدون توجه به آفت‌ها، مشغول کشت و کار شود که قطعاً در این صورت این کشت و کار ثمرهای برای او نخواهد داشت.

در اهمیت این مسئله همین بس که مولای متقیان حضرت علی (ع) می‌فرماید: «المصیبة بالدين اعظم المصائب؛ بزرگ‌ترین مصیبت، آفت در دین است»^۲. آری وقتی دینداری فرد دچار آفت شود، این بزرگ‌ترین مصیبت است.

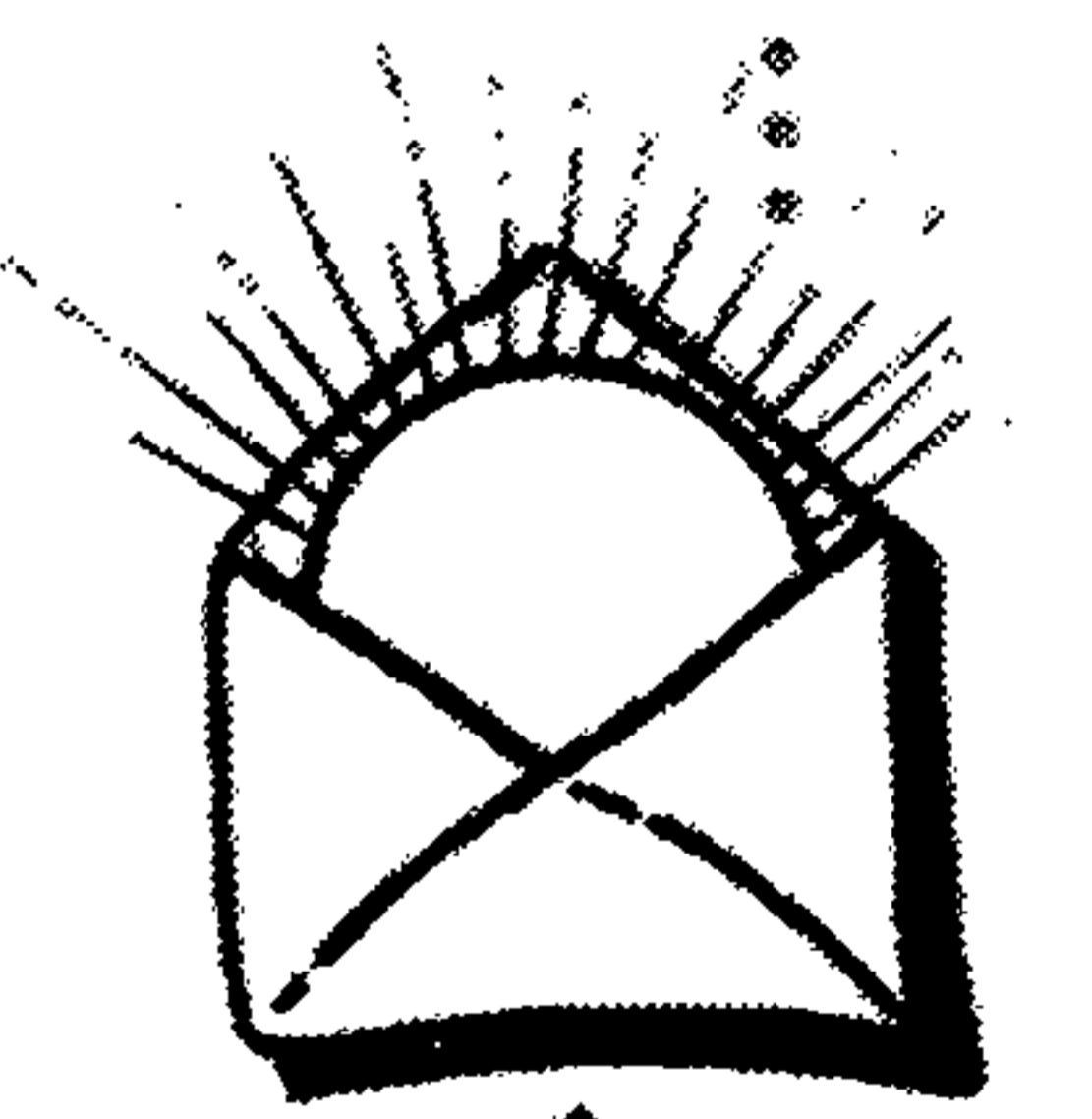
به هر حال شناخت آسیب‌ها و عوامل ایجادکننده آن می‌تواند دست مایه خوبی برای پیش‌گیری از آفت زایی در دین و دینداری شود. در پایان جا دارد که در این بخش از نوشتار به نکته بسیار حکیمانه امیر بیان حضرت علی (ع) توجه شود که فرمود:

من لم یعرف مضرّة الشیء لم یقدر علی الامتناع منه.

هر کس آفت چیزی را نشناسد، قادر به خودداری و پیشگیری از آن نیست.

نشانه‌های آسیب مندی در مهدویت

شناخت علل و عوامل آسیب‌زا، در حوزه مهدویت بدون توجه به نشانه‌های آسیب مندی، کاری ناقص است. به بیان دیگر، باید نشانه‌های آفت زدگی را در فرد یا جامعه مشاهده کنیم، سپس به دنبال یافتن علت و عامل آفت زدگی باشیم که در این صورت با اهتمام بیش‌تری در



پی آفت زدایی خواهیم بود. از این رو توجه به بحث آسیب مندی، ضروری به نظر می‌رسد باید به وجود نشانه‌های آفت زدگی در دین‌داران و مسلمانان در حوزه مهدویت، به یقین برسیم. در این بخش، نگاهی کلی به نشانه‌های آسیب‌مندی می‌اندازیم. این نشانه‌ها عبارتند از:

تردید در آموزه‌ها و اعتقادات مربوط به مهدویت

نشانه سلامت فرد در حوزه باورها و اعتقادات مهدویت، برخورداری از باور قلبی و عمیق به آموزه‌ها و معارفی است که در این حوزه دینی وارد شده است. چنانچه ثبات و پایداری در دین به قوت یقین وابسته است؛ (ثبات الدین بقوة الیقین) این مسئله در مباحث مهدویت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. اگر فرد در این گونه مباحث به تردید و سستی در یقین دچار شود، تزلزل در اعتقادات او نسبت به وجود مبارک امام زمان (عج) تزلزل ایجاد خواهد شد و این خود یکی از مسایل اختلال را می‌باشد.

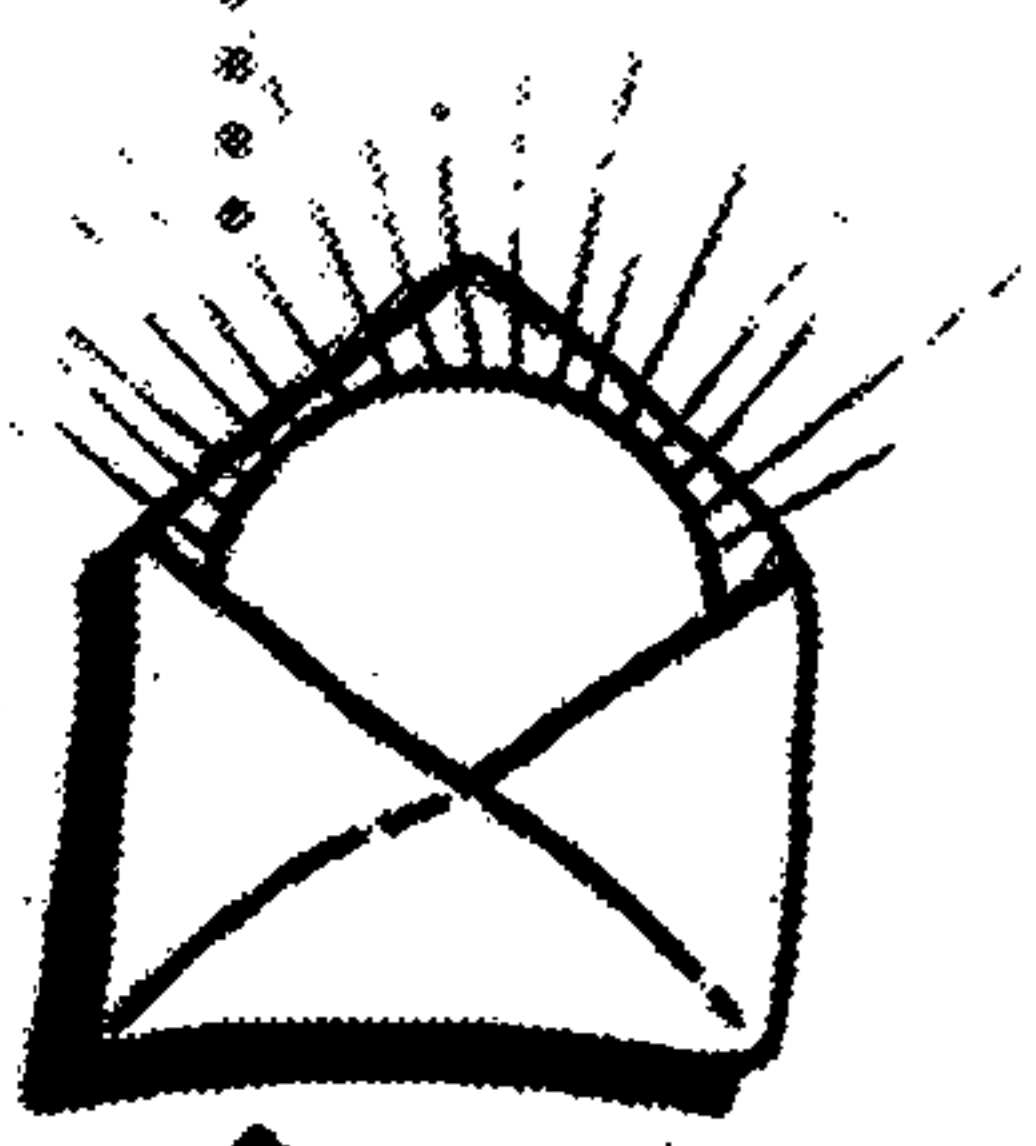
از این رو، نسلی که در اصل مباحث مهدویت دچار تردید و دودلی است، یک نسل آسیب‌پذیر می‌باشد. برای تعیین میزان آسیب‌پذیری جا دارد پژوهش میدانی گسترده‌ای در این زمینه به ویژه در رابطه با نسل جوان، صورت گیرد تا به صورت دقیق و علمی میزان برخورداری جوانان از اعتقادات عمیق و یقینی نسبت به مهدویت، مشخص گردد. این امر کمک می‌کند تا بتوانیم روشن‌تر و دقیق‌تر نظر دهیم که آیا نسل ما، در این زمینه یک نسل آسیب‌پذیر است یا از قوت یقین و ثبات عقیده برخوردار است. مشخص شدن این مسئله در برنامه ریزی آینده می‌تواند راهگشا باشد.

سستی در انجام تکالیف و وظایف، نسبت به امام زمان (عج)

یکی از شاخص‌هایی که می‌تواند نمایانگر سلامت یا بیمار بودن اندیشه جامعه نسبت به مهدویت باشد، مسئله اهتمام جدی افراد در انجام تکالیف و وظایفی است که یک فرد منتظر نسبت به امام زمان (عج) دارد. چرا که ولایت مداری مستلزم پای‌بندی به تکالیف انسان‌ها در قبال ولی امر می‌باشد.

از این رو همان‌طور که در بخش گذشته هم مطرح شد، باید با آمارگیری علمی و کارشناسانه مقدار پای‌بندی افراد نسبت به تکالیف و وظایف نسبت به ولی امر مشخص گردد. اگر آمار سستی در قبال این مسئله را نشان داد نمایانگر

● کسانی که بدون توجه به بحث آسیب‌ها وارد عمل می‌شوند، هم‌چون باغبانی می‌مانند که بدون توجه به آفت‌ها، مشغول کشت و کار شود که قطعاً در این صورت این کشت و کار ثمره‌ای برای او نخواهد داشت.



وجود آسیب مندی جامعه است. که باید برای آفت زدایی اقدام نمود.

نکته قابل توجه این است که بخشی از روایات وارده در حوزه معارف مهدویت مربوط به وظایف و تکالیفی است که یک مسلمان در عصر غیبت در قبال امام زمان (عج) دارد. متأسفانه این روایات کم‌تر مورد توجه و عمل واقع شده که خود نشانه‌ی اهمال جامعه نسبت به این مهم است که نباید مورد غفلت قرار گیرد.

علل آسیب زا در مهدویت

علل آسیب زا در بحث مهدویت را، می‌توان به دو بخش علل مستقیم و علل غیرمستقیم تقسیم کرد. منظور از علل مستقیم، عللی است که مستقیماً با مباحث این حوزه سروکار دارد مانند روش‌ها و محتوا.

علل غیرمستقیم عللی است که به ویژگی‌های شخصیتی یا به امور اجتماعی و پیرامونی فرد مربوط می‌شود. در این بخش ما به صورت مختصر و گذرا به علل آسیب زای غیرمستقیم می‌پردازیم و در ادامه بحث درباره علل مستقیم که همان روش‌ها و محتوا است، خواهیم پرداخت.

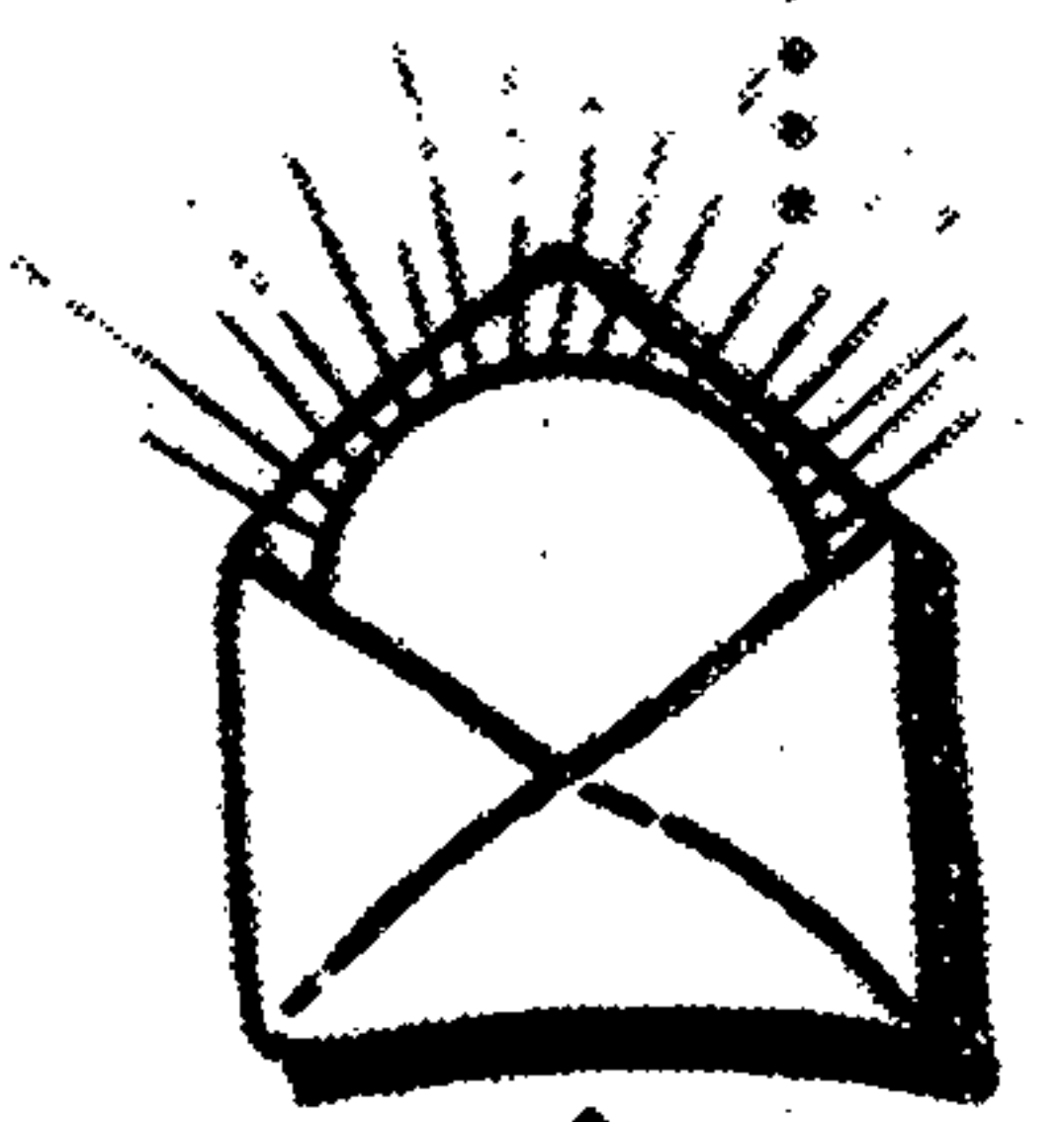
علل آسیب زای غیرمستقیم

یکی از مهم‌ترین عواملی که در نهادینه سازی فرهنگ مهدویت می‌تواند به صورت غیرمستقیم آسیب زا و اختلال‌آمیز باشد، عبارت است از: زمینه‌های شخصیتی و شخصی فرد که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

عدم توجه به ایجاد شاخص‌ها و معیارهای لازم شخصیتی برای پذیرش فرهنگ مهدویت

پذیرش فرهنگ مهدویت و نهادینه سازی این فرهنگ نیازمند بستری مناسب و ظرفی مستعد برای پذیرش این فرهنگ متعالی است و این بستر چیزی نیست جز ظرف وجودی فردی که قرار است دارای فرهنگ و تربیت مهدوی گردد. از جمله پیش‌نیازهای لازم، قبل از هرگونه فعالیت در زمینه گسترش این فرهنگ، ایجاد زمینه و ظرف مناسب برای پذیرش آن است. به بیان دیگر فرد، نخست باید از نظر شخصیتی مستعد و آماده پذیرش این پیام باشد.

به نظر می‌رسد برای ایجاد یک بستر مناسب و مستعد برای پذیرش پیام، قبل از هرگونه فعالیت مهدوی، باید به پرورش احساس‌های متعالی چون حس خداپرستی، اخلاقی، عاطفی و زیباخواهی پرداخت. در این صورت است که فرد از شاخص‌های لازم و زمینه مستعد برای پذیرش تربیت مهدوی برخوردار می‌گردد که ما در این بخش از نوشتار به کوتاهی به این مطلب می‌پردازیم:

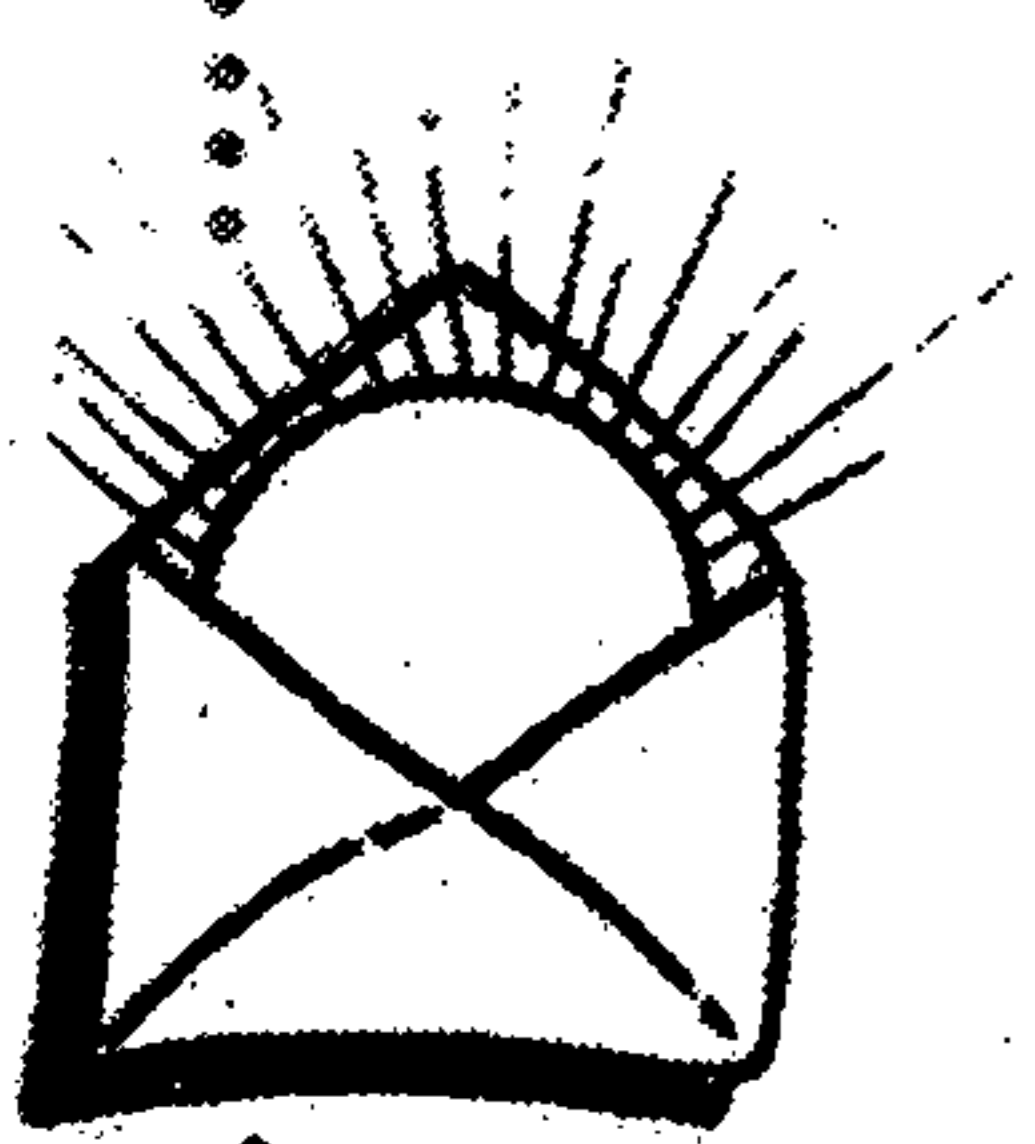
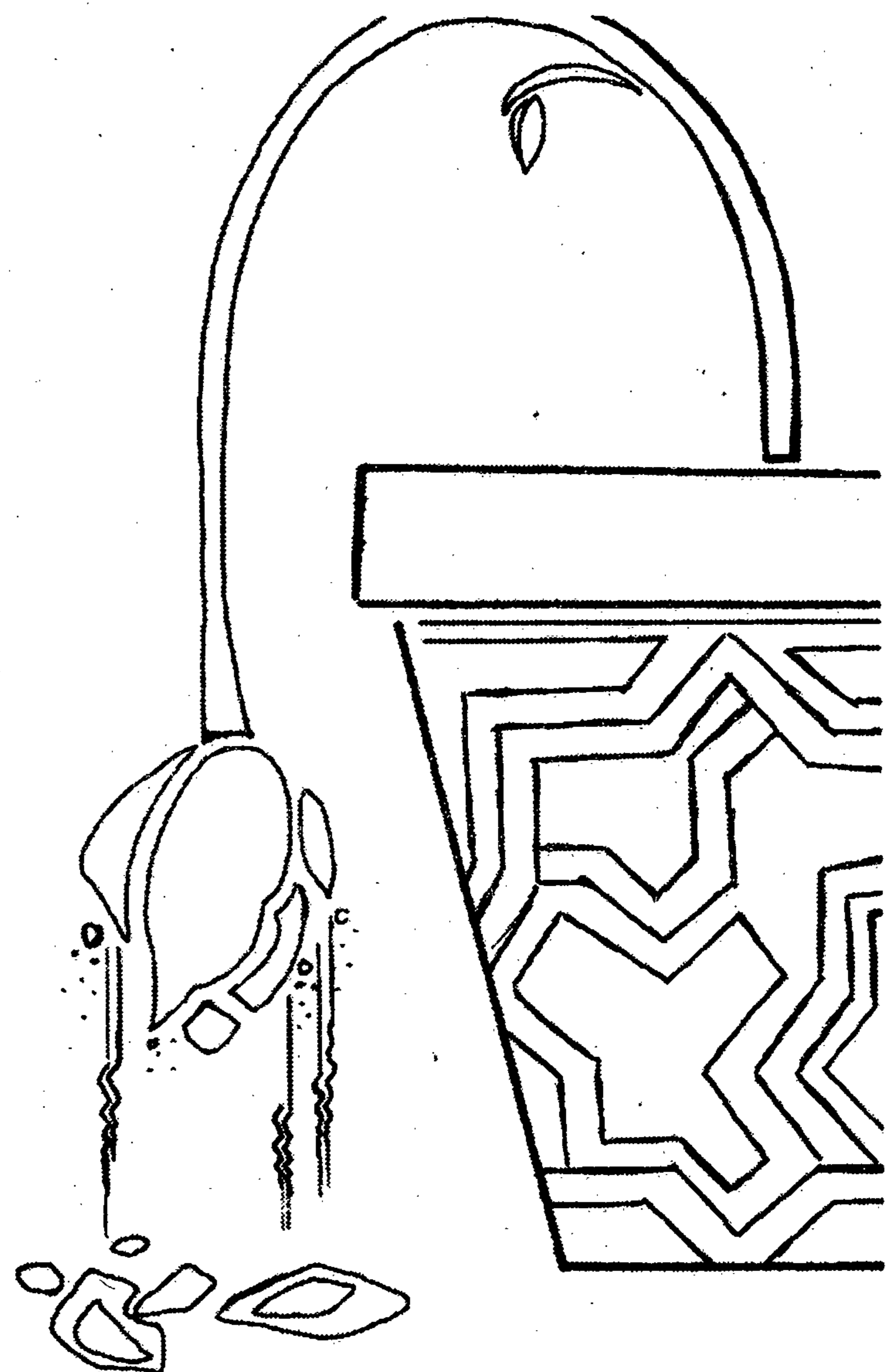


۱. حس خداخواهی و عبودیت و بندگی

فرد اگر در مسیر عبودیت و بندگی خداوند قرار نگرفته باشد و عبد خدا نباشد، چطور باید از او انتظار پذیرش ولی خدا را داشته باشیم. پس، پیش از گسترش و نشر فرهنگ مهدویت، باید در ایجاد روحیه بندگی و عبودیت فعالیتی منسجم و اصولی صورت گیرد. طبیعی است وقتی ما بتوانیم روحیه تعبد را در متربی پرورش دهیم، در مرحله بعد می‌توانیم خیلی راحت با بهره‌گیری از این روحیه بلند، او را به سمت پذیرش ولی خدا سوق دهیم. و زمینه انس و ارتباط با مولا و در نهایت روحیه اطاعت و انقیاد از ولی خدا را در او پرورش دهیم. انسان اگر بنده خدا باشد، بدون چون و چرا مطیع اوامر الهی خواهد بود؛ چرا که بنده خدا، فردی آزاد از زنجیر عوامل قالب‌ساز و شکل دهنده محیط و اجتماع و فردی آگاه و آزاد از تخیلات، اوهام و آرزوهای بی‌اساس و دارای اندیشه و فهم واقع‌یاب می‌شود. فردی آزاد از اسارت فرهنگ‌ها و سنت‌های فرسوده و رها از چنگال لذت و الم خواهد بود و نهایتاً آزاد از خودخواهی و خودکامگی، که وجود این ویژگی‌ها، زمینه ساز پذیرش ولی خدا و اطاعت و پیروی از او می‌باشد.

جان کلام آن که باید در زمینه ایجاد روحیه تعبد و آن هم تعبد برگرفته از تعقل، در جامعه فعالیت کرد؛ چرا که این نخستین گام اساسی و مهم در ایجاد بستری مناسب برای انجام فعالیت‌های مهدوی است. کسانی که در طول تاریخ از بندگی خدا برخوردار بودند و به معنای واقعی عبد بودند نه عابد، هیچ‌گونه مشکلی برای پذیرش ولی خدا نداشتند. از سوی دیگر،

● باید در زمینه ایجاد روحیه تعبد و آن هم تعبد برگرفته از تعقل، در جامعه فعالیت کرد؛ چرا که این نخستین گام اساسی و مهم در ایجاد بستری مناسب برای انجام فعالیت‌های مهدوی است. کسانی که در طول تاریخ از بندگی خدا برخوردار بودند و به معنای واقعی عبد بودند نه عابد، هیچ‌گونه مشکلی برای پذیرش ولی خدا نداشتند.



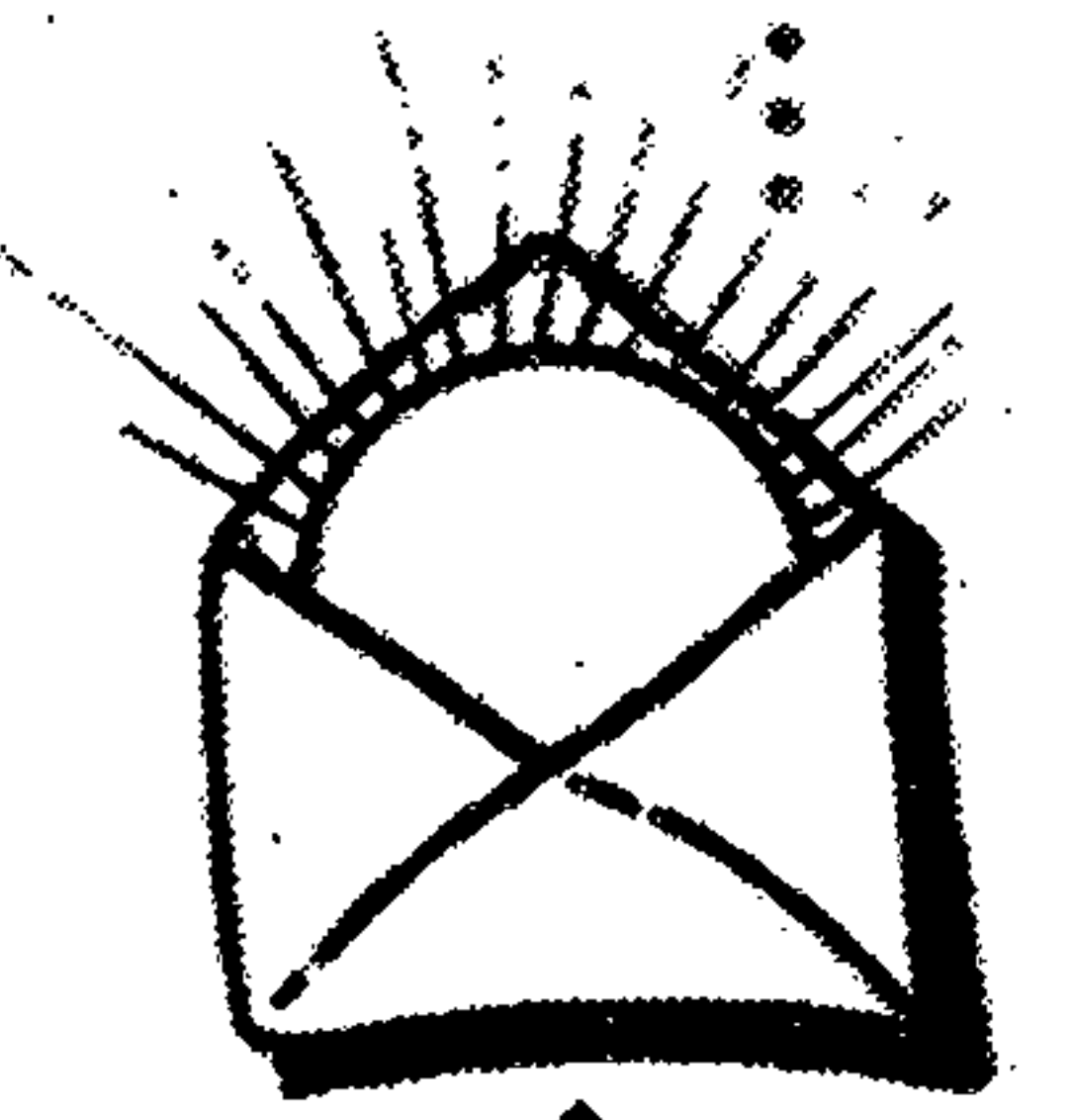
بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد کسانی زیر بار رهبری‌های الهی نرفتند که در زمینه عبودیت و بندگی دچار ضعف و سستی بودند.

بنابراین، بدون ایجاد روحیه تعبد و بندگی، هرگونه فعالیت در زمینه ولایت مداری و پذیرش ولی امر بی‌نتیجه خواهد بود یا به نتیجه مطلوب نخواهد رسید. حرکت در مسیر عبودیت و بندگی، فرد را آراسته به شاخصه‌ای بسیار ارزشمند به نام تقوا می‌سازد. این شاخصه یکی دیگر از پیش‌زمینه‌های لازم و ضروری در گسترش فرهنگ مهدویت می‌باشد.

در زمینه تقوی و صیانت ذات، زیاد سخن گفته شده، ولی منظور ما از تقوا همان مطلبی است که علامه جعفری (ره) از آن به صیانت ذات تکاملی یاد می‌کند^۳. منظور از این اصطلاح، تبدیل تدریجی ذات یا من طبیعی به ذات یا من تکاملی است که این تبدیل با دو بال جذب کمال و دفع نقص، صورت می‌گیرد. به این معنا که وقتی فرد در پی جذب کمال باشد، بهترین راه را برای رسیدن به کمال، تاسی به الگوهای کمال یافته و انسان‌های کامل می‌داند. او بر این باور است که باید دست خود را در دست امام زمان خود قرار دهد، تا او را به نقطه نهایی کمال، همان ایصال الی المطلوب، که شأن واقعی امام است، برساند. از این رو، خواهان یافتن وجود امام زمان خود می‌باشد و با شور و اشتیاق به دنبال اوست. ایجاد این زمینه موجب می‌گردد هرگونه معرفت مهدوی و هرگونه فعالیت برای نهادینه سازی آن، جایگاه خود را بیابد و در ظرف لازم قرار بگیرد.

پیروی از قرآن یکی دیگر از شاخص‌ها و ملاک‌هایی است که عبد خدا در مسیر عبودیت باید از آن برخوردار گردد که این بهره‌مندی از لوازم ضروری پذیرش فرهنگ مهدویت است. چرا که اگر فرد پیرو قرآن باشد، با توجه به وجود آیات مکرر در قرآن درباره ضرورت پیروی از اهل بیت، قطعاً عمل به این آیات را هم خواهد پذیرفت. عمل به آیاتی چون «اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم...» برای او امری واجب و ضروری خواهد بود. پس لازم است که در ابتدا فرد را شاگرد مطیع و منقاد مکتب قرآن تربیت کنیم. در قدم بعد، او خود عمل به آیاتی چون ولایت را خواهد پذیرفت. از سوی دیگر، کسی که در اصل تبعیت و سرسپردگی به دستورات زندگی بخش قرآن دچار سهل‌انگاری، تزلزل و تردد است، این تردید و دودلی و سهل‌انگاری در عمل به قرآن، در میزان تبعیت او از ولایت هم تأثیر دارد.

از نشانه‌های دیگر آسیب‌مندی در دین و ولایت مداری، مسئله پایبند نبودن به هنجارهای اخلاقی است. به هر میزان که افراد در قبال هنجارهای اخلاقی سهل‌انگار و بی‌توجه باشند به همان میزان، تبعیت از امام معصوم (ع) کاهش می‌یابد. حوادث و جریانات تاریخی بیانگر رابطه‌ای



مستقیم میان گردن نهادن به دستورات رهبر الهی و میزان پایبندی افراد به هنجارهای اخلاقی است.

۲. پرورش حس اخلاقی

در نظام تربیتی اسلام، وجود پیامبران و امامان معصوم، برای زمینه سازی برای تکامل و رشد معنوی انسان از جایگاه مهمی برخوردار است و اساساً هدف از بعثت انبیا به ویژه رسالت خاتم پیامبران (ص) تکمیل فضایل اخلاقی و فراهم کردن تجهیزات این رشد و کمال بیان شده است.

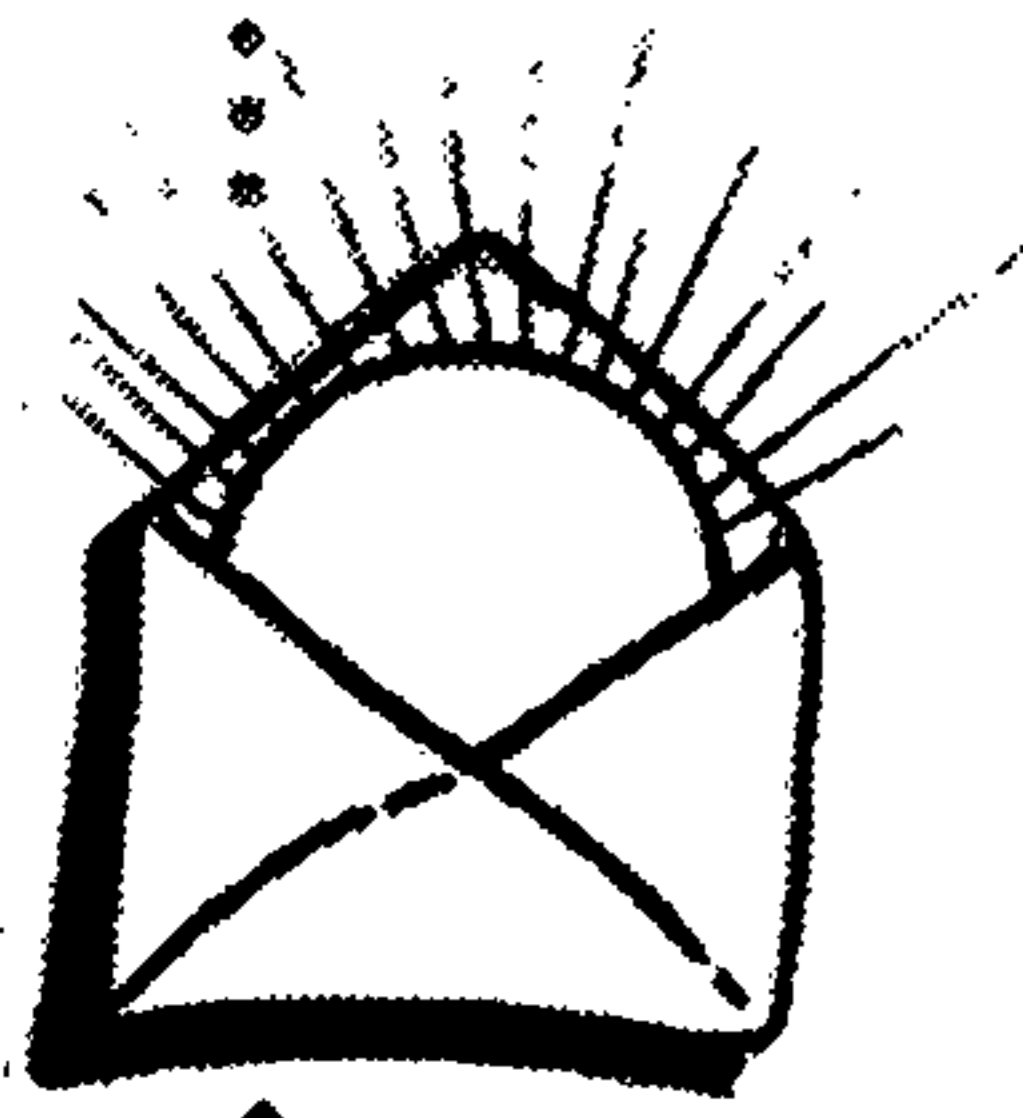
شخصیت اخلاقی عنصر اساسی و جوهره اصلی وجود انسان را تشکیل می دهد و بدون اخلاق، آدمی شخصیت واقعی خود را باز نمی یابد. اخلاق در انسان، گرایش به فضایل اخلاقی را ایجاد و روح ملکوتی انسان را به اوج کمال می رساند.

انسانی که از نظر اخلاقی پرورش یافته و به فضایل و نیکی ها گرایش پیدا می کند، طبیعی است که عاشق و دلباخته انسان های بافضیلت و کمال می شود و به دنبال آنان می گردد، از این رو وقتی با شخصیت بلند و متعالی انسان کاملی چون امام زمان (عج) مواجه می شود، عقربه های درون او به صورت ناخودآگاه به سوی امام کشیده می شود و بدون چون و چرا او را می پذیرد.

به همین دلیل باید پیش از معرفی شخصیت امام زمان (عج)، به پرورش اخلاقی فرد اقدام کرد. در این صورت او خود به سوی الگوها و اسوه های اخلاقی متمایل می شود و هر چه الگو کامل تر و متعالی تر باشد، گرایش درونی و مثبت تری نسبت به او پیدا کند. آن گاه در پرتو شخصیت این انسان کامل و انس و الفت با او و با محبت و عطف و احترام به شخصیت انسان کامل، در مسیر رشد، پویایی و تکامل اخلاقی خود گام های بلندتر و بزرگ تری را برمی دارد. هرگاه اخلاق با زمینه فطری و عقلی که دارد رنگ عاطفی نیز به خود بگیرد و به صورت احساسی پاک درآید، این بهترین راه برای جذب جوانان به وجود مبارک امام زمان (عج) می شود. بنابراین، متولیان تعلیم و تربیت نباید از این اهرم مؤثر غافل باشند.

۳. پرورش عواطف

عاطفه از ماده «عطف» به معنای گرایش و انعطافی است که از رهگذر ارتباط فرد با موجود مورد توجه خارج از وی برقرار می گردد و از آن به احساس نیز تعبیر می شود. از نظر روان شناسان، پرورش عاطفی همواره امری مهم تلقی شده است. هم چنان که آیات، روایات و مباحث تربیتی اسلام نیز آن را مورد توجه کامل و دقیق قرار داده و رهنمودهای



ارزشمندی در این باره ارائه داده‌اند.

تربیت عاطفی، به معنای هدایت و کنترل عواطف و احساسات و شکوفاسازی و بهره‌گیری به موقع از آن‌ها برای رسیدن به امر مطلوب؛ یعنی خیر و سعادت انسان است. نقش عاطفه در عمل از عوامل و انگیزه‌های دیگر نیرومندتر است و باید همواره تحت کنترل و پرورش ویژه قرار گیرد.

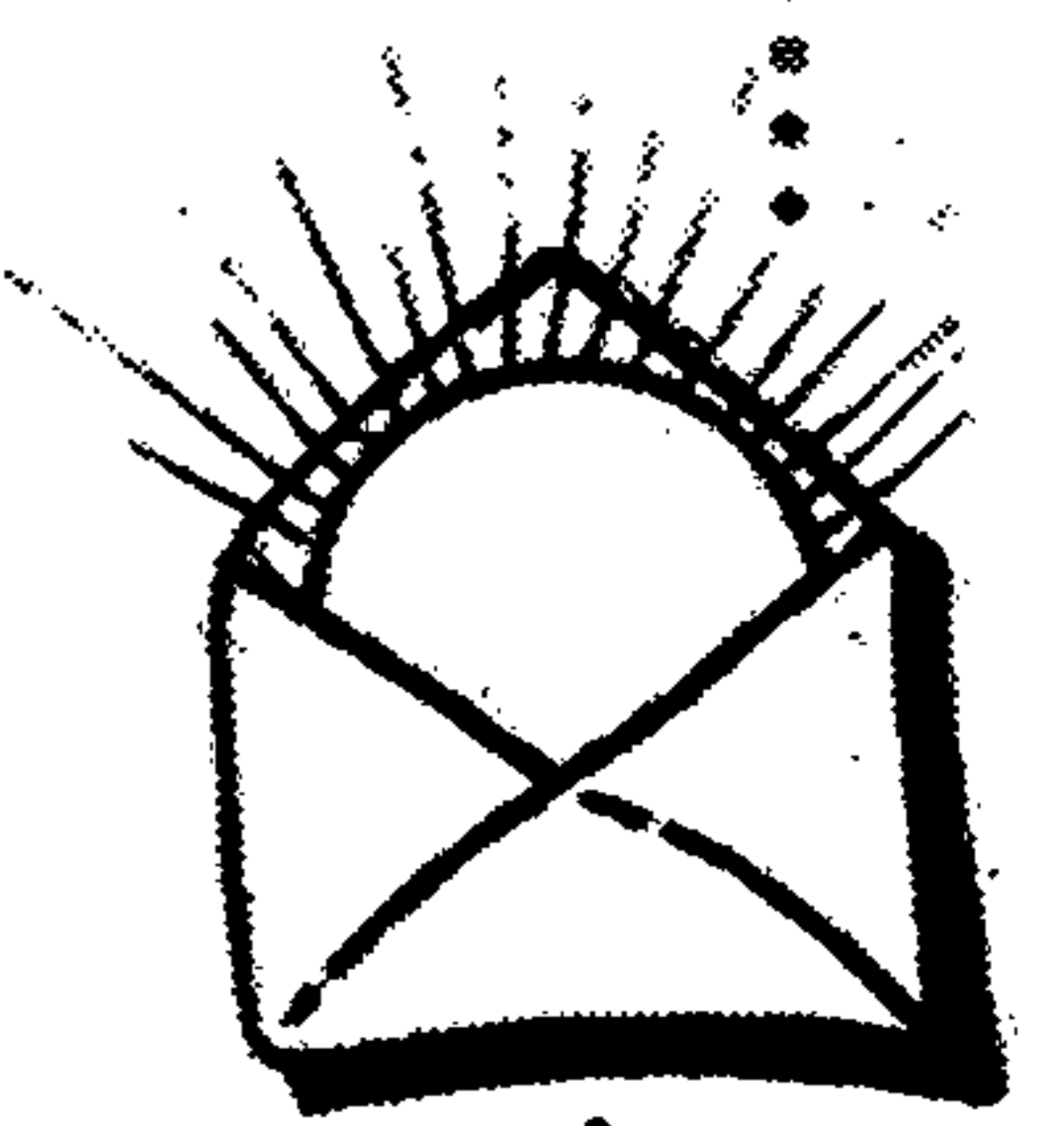
به هر حال، با پرورش درست عواطف، از تربیت عاطفی می‌توان به عنوان یک عامل بسیار قوی و انگیزه‌ای نیرومند، برای ایجاد ارتباط عاطفی میان مربی با امام زمان (عج) بهره جست. با استفاده از حس عاطفی می‌توان نگرشی مثبت نسبت به امام عصر (عج) پدید آورد. وقتی نگرش ایجاد شد، در پی آن حتماً تغییر رفتار خواهد بود؛ به‌ویژه در نوجوانان و جوانانی که در مرحله شکوفایی احساسات و شکل‌گیری شخصیت هستند. اگر این احساسات به سوی مهدویت هدایت شود و احساسات و عواطف پاک و معصومانه آنان متوجه وجود مقدس امام زمان (عج) گردد، مطمئناً مهم‌ترین گام تربیتی برداشته شده است.

برای این کار باید مبلغان و متولیان تعلیم و تربیت با راهکارهای شکوفایی عواطف و احساسات و همچنین راه‌های تربیت عاطفی و چگونگی کنترل و هدایت آن آشنا باشند تا بتوانند از این انگیزه بسیار مهم و قوی برای تربیت مهدوی بهره‌برداری کنند. البته این مسئله مهارت و دقت افزونی را طلب می‌کند.

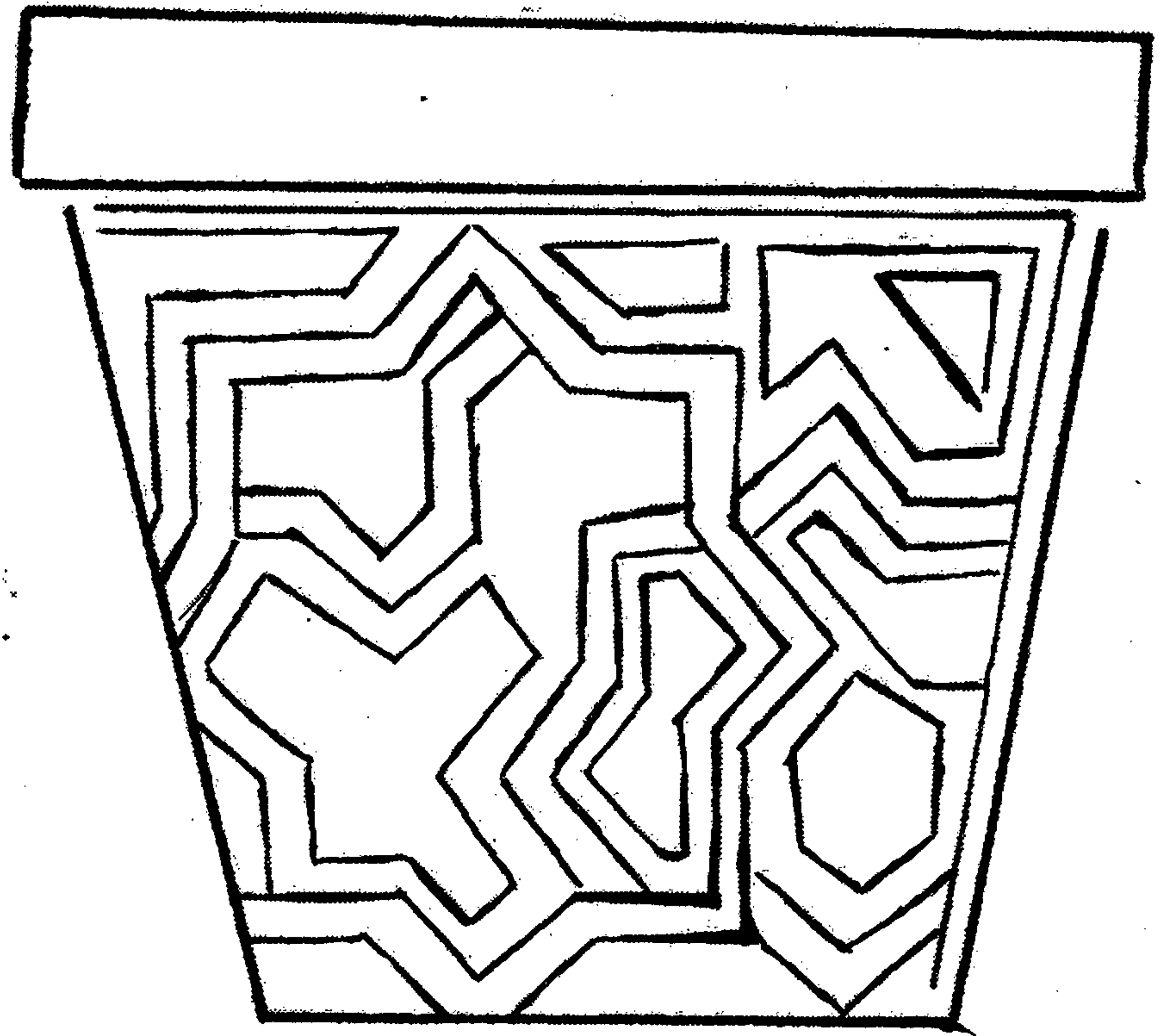
از جمله راهکارها و راهبردهایی که می‌توانیم برای پرورش حس عواطف نوجوانان و کنترل و جهت‌دهی آن به کار گیریم عبارتند از:

۱. احترام به شخصیت جوان؛
۲. مسالمت و مدارا؛
۳. اغماض و چشم‌پوشی؛
۴. برخورد مهرآمیز؛
۵. تشویق و ترغیب جوانان به پاکی؛
۶. بهادادن به اظهار نظر آنان؛
۷. دادن مسئولیت‌های مناسب؛
۸. ارزش‌گذاری به شخصیت معنوی جوان.

این راهکارها اگر مورد توجه مربیان و مبلغان مهدویت قرار گیرد، در مجموع موجب پرورش حس عاطفی آنان می‌شود و نهایتاً زمینه و بستر لازم شخصیتی را برای پذیرش مهدویت در فرد ایجاد می‌کند. عواملی چون ایمان قوی و ذوب شدن در محبت خداوند و عشق به سعادت



یکی دیگر از پیش زمینه‌های
 شخصیتی لازم برای جلب توجه
 جوانان و نوجوانان به سوی
 امام زمان (عج) توجه به پرورش
 حس مذهبی به ویژه حس
 زیبایی‌های معنوی است.



ابدی از عواملی هستند که می‌توان به وسیله آن‌ها انسان‌ها را کنترل کرد.

۴. پرورش حس زیبایی

حس زیبایی و زیبایی‌خواهی از جمله گرایش‌ها و احساسات متعالی انسان است که در مطالعات علمی و روان‌شناسی مورد توجه قرار گرفته است.

برخی از احساسات متعالی مانند حس زیبایی از جلوه‌های گوهر اصلی انسان است که منشأ بروز کمالات و ارزش‌های انسانی و الهی می‌گردند. زیبایی و زیبادوستی ابعاد و جلوه‌های گوناگونی دارد، ولی آن چه که در این بخش از نوشتار، مورد توجه ما می‌باشد، زیبایی معنوی خداجویی، کرامت و عزت، عفاف و استغنا، شجاعت، عدالت، ایثار و انسان دوستی است. این‌ها از عوامل جذب دل‌های وارسته و آزاده به سوی الگوهای متعالی چون وجود ارزشمند ولی عصر (عج) می‌باشد.

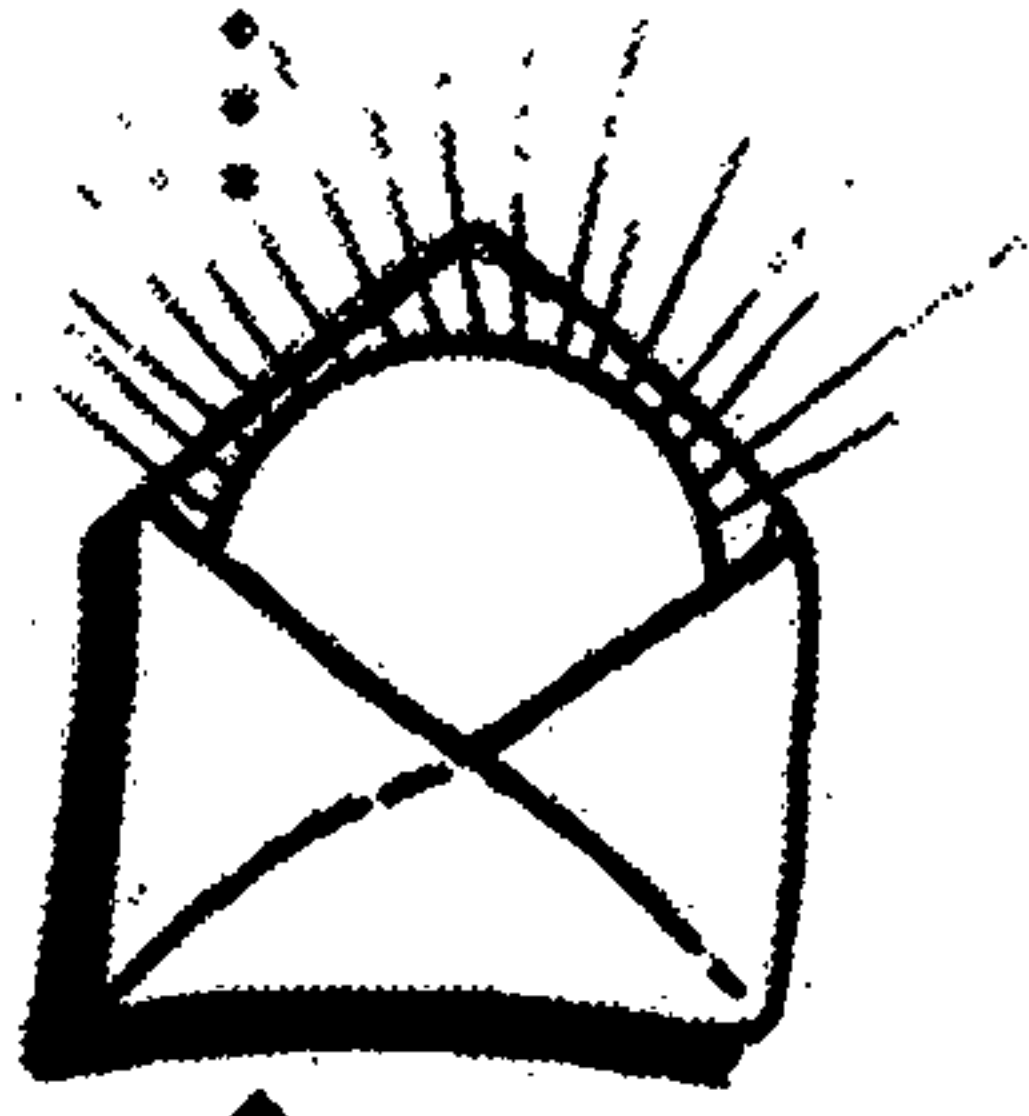
اگر حس زیبایی و زیبادوستی در نوجوانان و جوانان پرورش یابد، به هر آن چه زیباست گرایش پیدا می‌کنند و عقربه وجود آنان به صورت خودکار به سوی زیبایی‌های معنوی وجود ولی خدا حرکت می‌کند و علاقه‌مند به پیوند عاطفی و روحی با امام می‌گردند. چرا که از ویژگی‌های اسوه‌های ربانی، برخوردارانی آنان از فضایل و جمال معنوی است که موجب می‌گردد از شخصیتی پرجاذبه برخوردار شوند و قلوب انسان‌ها را هم‌چون آهن ربایی قوی به سوی خود متمایل کنند.

پس یکی دیگر از پیش زمینه‌های شخصیتی لازم برای جلب توجه جوانان و نوجوانان به سوی امام زمان (عج) توجه به پرورش حس مذهبی به ویژه حس زیبایی‌های معنوی است.

برای پرورش زیبایی‌های معنوی در راستای تربیت مهدوی می‌توان از راهکارهای زیر بهره

جست:

۱. تذکر آثار وجودی امام زمان (عج) و نعمت وجود امام برای جامعه انسانی.



۲. صحبت دربارهٔ محبت بی‌دریغ امام نسبت به امت، که در روایات ما از توجه امام زمان (عج) حتی در عصر غیبت نسبت به امت، زیاد سخن به میان آمده است و جا دارد نمونه‌هایی که حکایت از اوج رأفت و رحمت امام نسبت به امت است، بیان گردد.

۳. معرفی امام به عنوان مظهري از مظاهر جمال و کمال الهی.

۴. معرفی جلوه‌های گوناگون زندگی حضرت مانند علم، حکمت، محبت، عزت و... به ویژه توجه به ویژگی‌هایی که شور و عشق در وجود فرد می‌آفریند.

مهم‌ترین و مؤثرترین راه برای پرورش حس معنوی، توجه دادن به کمالات اخلاقی امام زمان (عج) است. برای نمونه می‌توان به روایتی از حضرت رضا (ع) اشاره کرد که فرموده است:

مهدی (عج) داناترین، بردبارترین و پرهیزکارترین مردمان است و از همه انسان‌ها بخشنده‌تر و شجاع‌تر و عابدتر است.^۴

علل مستقیم آسیب زادر گسترش فرهنگ مهدویت

در بخش گذشته، نگاهی گذرا و اجمالی به عوامل غیرمستقیم، ولی تأثیرگذار در پذیرش فرهنگ مهدویت و گسترش آن داشتیم.

در این بخش از نوشتار، درصدد پرداختن به عواملی هستیم که به طور مستقیم در میزان توفیق متولیان نشر و تبیین فرهنگ مهدویت، تأثیرگذار است. این عوامل را در دو بخش روش‌ها و محتوا بررسی می‌کنیم.

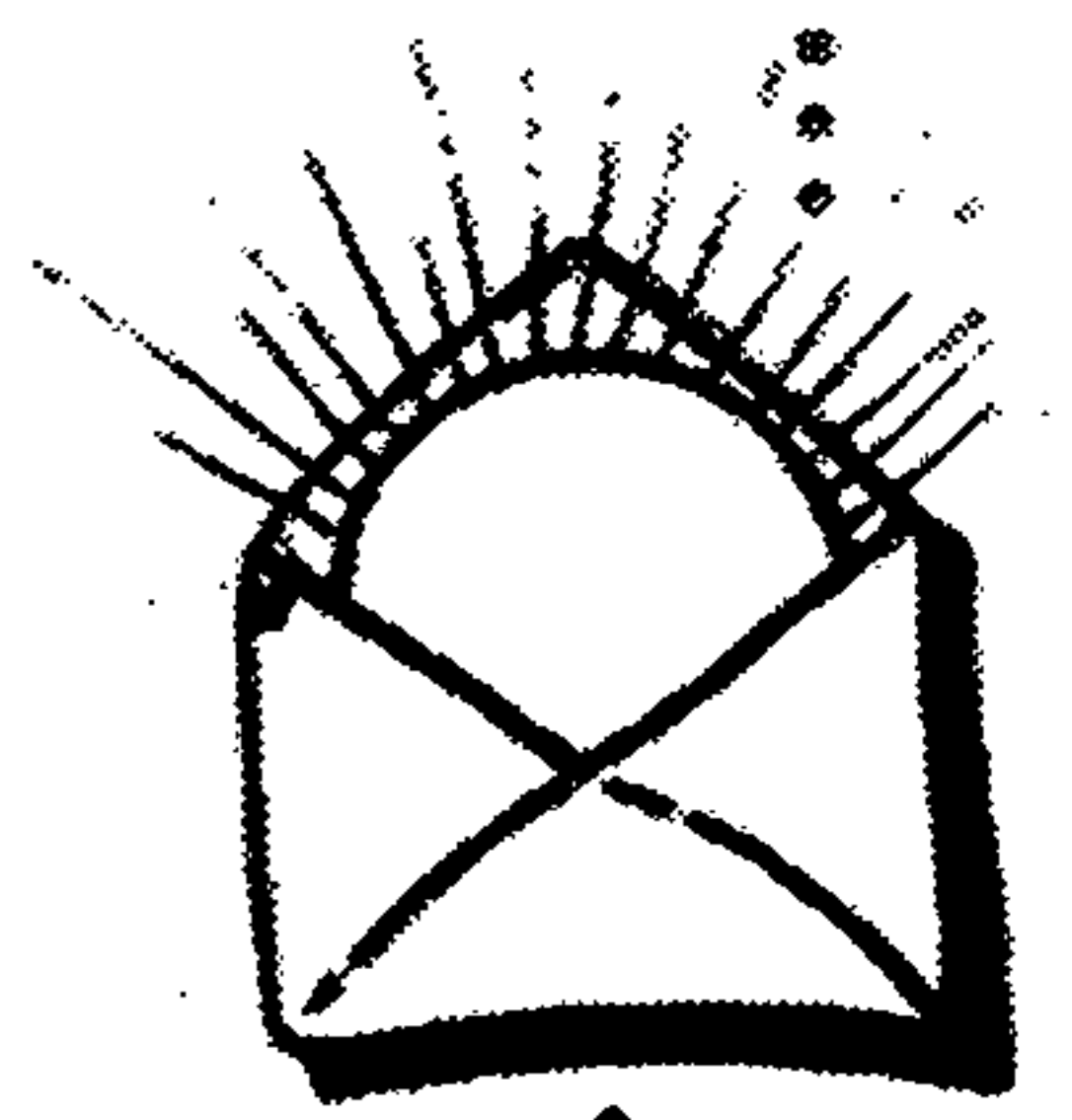
۱. روش‌های آسیب‌زا

بخشی از آسیب‌های وارده در مباحث دینی از جمله بحث مهدویت، برمی‌گردد به روش‌های انتقال پیام که به صورت مستقیم در میزان نهادینه سازی ارزش‌ها می‌تواند تأثیرگذار باشد. در این بخش از مقاله به برخی از روش‌های آسیب‌زا در این حوزه پرداخته می‌شود:

ضعف و ناکارآمدی روش‌ها در کانون‌های دینی

یکی از عوامل مهم آسیب‌زا در حوزه فعالیت‌های مهدویت، ضعف و ناکارآمدی کانون‌های دینی و مذهبی است. این ضعف به ویژه در بخش صلاحیت‌های عاطفی و مهارتی، به اتخاذ روش‌های نامناسب در تبلیغ مهدویت منجر می‌شود.

آیا به راستی کانون‌های دینی از آمادگی لازم شناختی، مهارتی و عاطفی برای تبیین این فرهنگ به گونه‌ای مطلوب برخوردارند و آیا در این بیست و چند سال که همهٔ امکانات فرهنگی کشور در اختیار کانون‌ها قرار گرفته است این کانون‌ها توانسته‌اند، متناسب با شرایط رشدی و عاطفی و با ادبیات نوجوان و جوان برای ارتقای بینش و معرفت مهدوی نوجوانان و جوانان و



ایجاد روحیه انتظار در آنان گامی مؤثر و کارشناسانه و هماهنگ بردارند؟

از میان مراکز پژوهشی متعدد در عرصه گسترش معارف دینی، چند درصد از پژوهش‌ها در عرصه مهدویت و چگونگی ارائه این فرهنگ اختصاص یافته است؟ اصولاً آیا این گونه مراکز و کانون‌ها دغدغه شناخت، گردآوری و پاسخ‌گویی روشمند و اصولی به شبهات نسل جوان در این زمینه را داشته‌اند؟

چا دارد که پژوهش و تحقیق، در راستای میزان فعالیت و کارآمدی کانون‌ها در حوزه مهدویت صورت گیرد. آن وقت آمار، گویای بسیاری از حقایق می‌گردد. به نظر می‌رسد از جمله پرسش‌های اساسی که درباره فعالیت کانون‌ها بعد از انقلاب باید بدان پاسخ داده شود، عبارتند از:

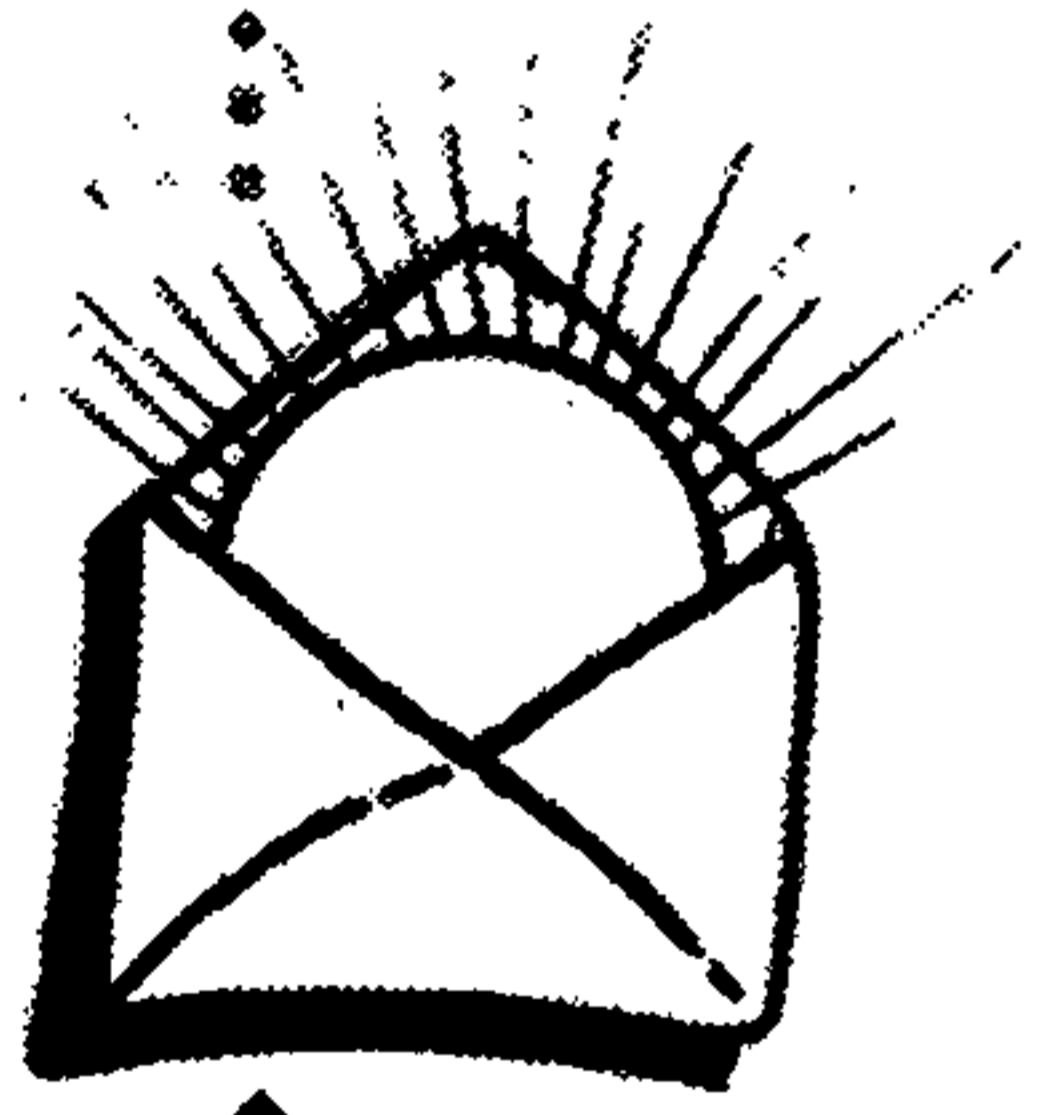
• چه آموزش‌هایی برای ارتقای سطح معرفتی جامعه در زمینه مهدویت داشته‌اند؟
• برای انجام آموزش‌های مؤثر به چه میزان به تربیت نیروهای آشنا به فرهنگ مهدویت و آشنا به اصول تعلیم و تربیت روشمند، پرداخته‌اند؟
• چه راهکارها و راهبردهای مؤثری برای نهادینه کردن ارزش‌های مهدویت، با توجه به مراحل رشد و ادبیات خاص هر دوره، توسط متولیان کانون‌ها مورد استفاده قرار گرفته است؟

• از چه ابزار و وسایل کمک آموزشی برای نهادینه کردن این فرهنگ بهره جسته‌اند؟
• آیا تا به حال، کار تحقیقی کارشناسانه‌ای برای یافتن بهترین روش‌ها برای نشان دادن چهره‌ای زیبا و امیدبخش از آینده حکومت جهانی حضرت صورت گرفته است؟
• آیا تا به حال کار آماری برای سنجش میزان آمادگی جامعه برای پذیرش حضرت و حکومت جهانی وی صورت گرفته است؟

• مهم‌تر از همه این که، آیا اصلاً دغدغه گسترش این فرهنگ در میان مسئولان کانون‌ها وجود داشته یا خیر؟

ضعف شیوه‌های پیام‌رسانی دینی

یکی از عوامل مستقیم آسیب‌زا در موضوع مورد بحث، دیواری است که میان دو نسل کشیده شده است و سخنان آنان توسط هم شنیده نمی‌شود. در واقع، گسستی میان پیام‌دهندگان با گیرندگان پیام ایجاد شده که مانع رسیدن پیام می‌گردد. علت این گسست این است که پیام‌های دینی از جمله پیام‌های مهدویت، بدون توجه به نیازهای مخاطبان و ادبیات خاص آنان تهیه و فراهم گردیده است. بدون توجه به این مهم که آیا پیام‌ها به گوش مخاطب می‌رسد یا نه؟ مرتب پیام ارسال می‌کنیم و در پی آن هم، منتظر ایجاد روحیه انتظار و سرسپردگی



و عشق نسبت به امام زمان (عج) هستیم. متأسفانه ما به دلیل آن که از شیوه‌ها و ابزارهای جدید اطلاع رسانی برای رساندن پیام خود به نسل فعلی با اقتضائات موجود کم‌تر بهره جسته‌ایم؛ از این رو در رساندن پیام دین در این زمینه با ناکامی‌های جدی مواجه بوده‌ایم.

به هر حال عرضه نادرست محتوا و ضعف روش‌های موجود، موجب شده است که پیام ما به مخاطبان نرسد. گاهی این عرضه نادرست از سوی کسانی است که بدون داشتن تخصص و خبرویت در این حوزه، به عرضه تفسیر و تبیین مباحث مربوط به مهدویت وارد می‌شوند. در نتیجه برداشت‌هایی بسیار خرافی و نادرست از مسایل مربوط به مهدویت عرضه می‌کنند، که این مسئله جز ایجاد گسست و فاصله میان پیام رسان و گیرنده پیام چیز دیگری را در بر ندارد. تحقیقاتی که در این راستا انجام شده از این واقعیت تلخ پرده برمی‌دارد که به حدی به صورت نادرست و غیراصولی این مباحث توسط برخی افراد عرضه گردیده است که ثمره آن جز ایجاد نگرشی منفی نسبت به حکومت جهانی حضرت، اثر دیگری در بر نداشته است. در یک مسئله‌شناسی که از حدود ۱۰۰۰ دختر نوجوان قمی صورت گرفت، بیش‌تر آن‌ها شناختی بسیار مبهم و اندک نسبت به مهدویت داشته‌اند و عمده مشکل آنان این بود: آیا صحیح است که وقتی امام زمان (عج) ظهور می‌کند پای اسب ایشان در خون آدم‌هایی که سر آن‌ها توسط آقا زده شده است فرو می‌رود؟!

آیا این مسئله چیزی جز عرضه نادرست این گونه مفاهیم که نهایتاً به ایجاد نگرش منفی منجر شده است، چیزی در پی دارد؟

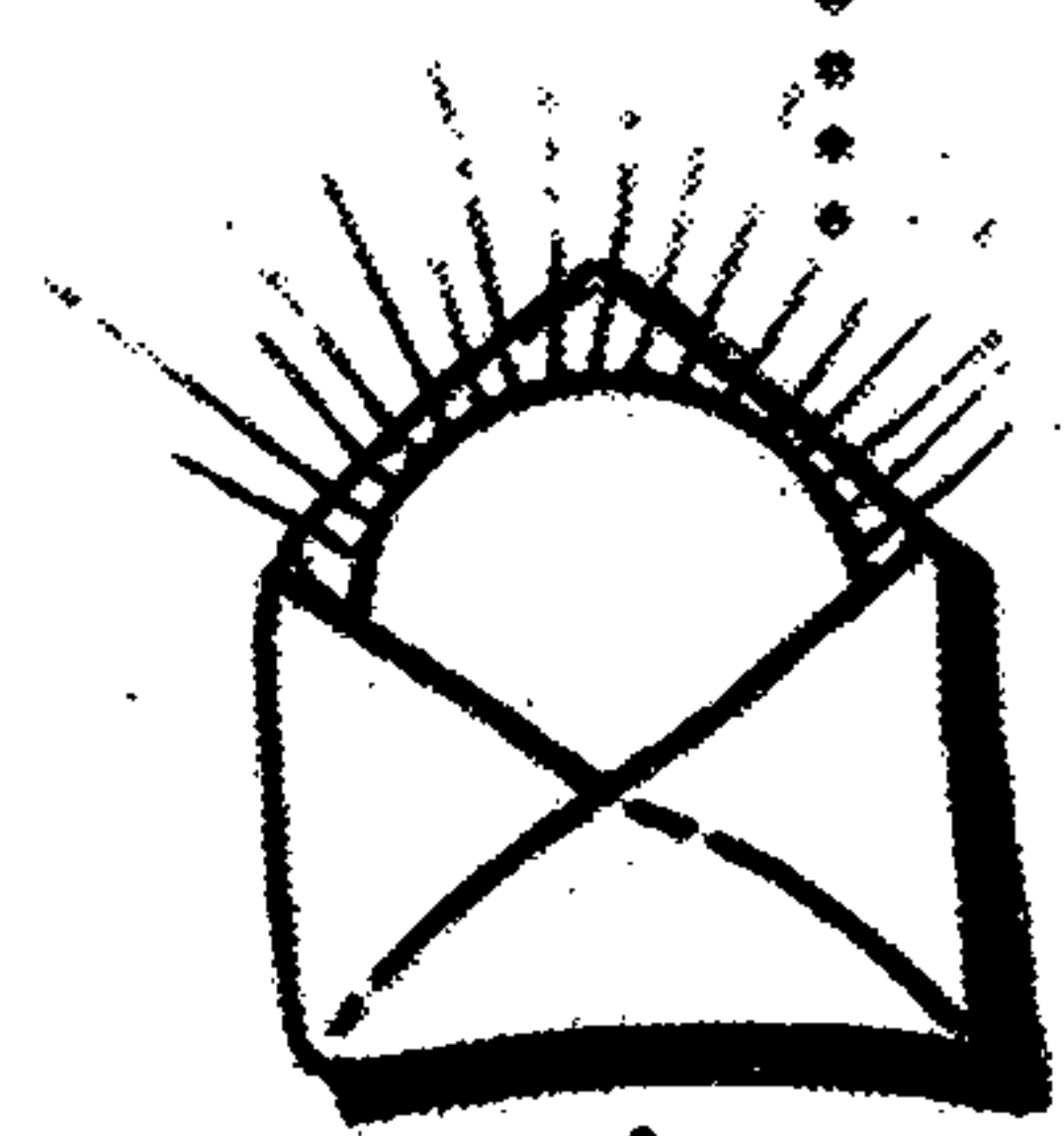
تأمین نشدن نیروی انسانی کارآمد و روشمند

از آن‌جا که نقش اول و محوری در فعالیتهای فرهنگی و تربیتی، با کسانی است که مسئولیت تبیین و تبلیغ این فرهنگ را عهده دار می‌باشند. پس، پیش از هرگونه اقدامی در این باره، باید به فکر آماده سازی نیروهای متعهد و متخصص و روشمند باشیم. نیروهایی که از صلاحیت‌های لازم در این حرفه برخوردار باشند. منظور از صلاحیت‌ها؛ یعنی برخورداری فرد از مجموعه شناخت‌ها، گرایش‌ها و مهارت‌هایی است که مبلغ با کسب آن‌ها می‌تواند به ایجاد تغییرات مطلوب و مورد نظر برسد.

به طور کلی، علمای تعلیم و تربیت بر این باورند؛ فردی که قرار است مسئولیت نهادینه سازی یک ارزش را به عهده گیرد باید از سه صلاحیت برخوردار باشد:

الف) صلاحیت شناختی

منظور از صلاحیت شناختی، آگاهی‌ها و مهارت‌های ذهنی است که مبلغ را در شناخت و



تحلیل مسایل و موضوعات مرتبط با بحث، توانا می‌سازد. به طور مثال در موضوع مهدویت مبلغ باید پیش از ورود در فعالیت خود، از این شناخت‌ها برخوردار باشد:

۱. شناخت اصول مربوط به تعیین محتوای مهدویت؛
۲. شناخت نسبت به مباحث مهدویت و اشراف کامل بر آن؛
۳. شناخت مربوط به روش‌های نوین ارائه پیام‌های مهدویت؛
۴. شناخت مخاطبان؛
۵. شناخت از جامعه و عنصر زمان و مکان؛
۶. شناخت نسبت به مبانی روان شناختی و اصول تعلیم و تربیت.

ب) صلاحیت عاطفی

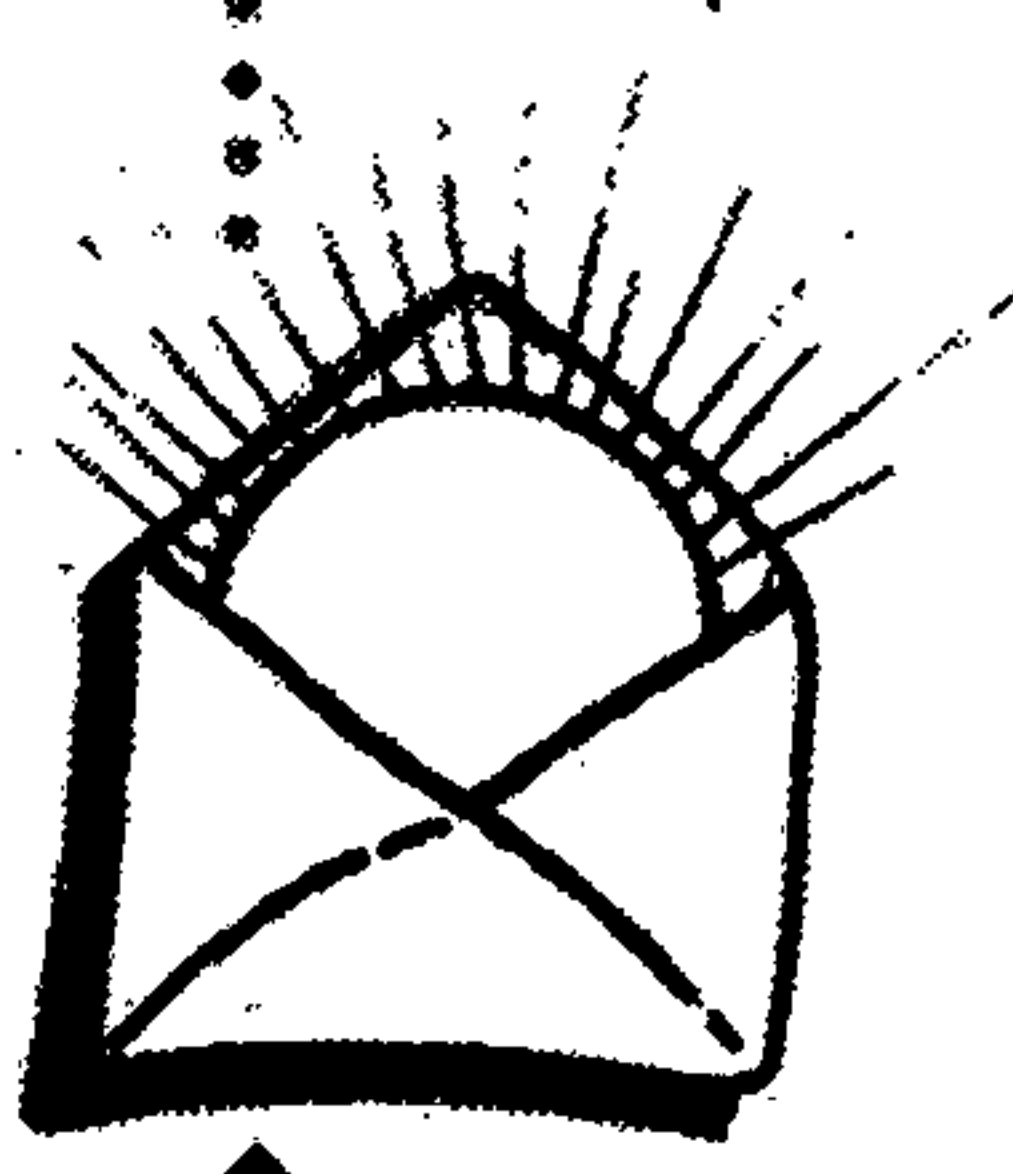
منظور از صلاحیت‌های عاطفی، مجموعه گرایش‌ها و علایق مبلغ نسبت به مسایل و موضوعات مرتبط با مسئولیت خود است. صلاحیت‌های عاطفی که یک مبلغ باید از آن برخوردار باشد عبارتند از:

۱. علاقه نسبت به مباحث مهدویت؛
۲. اعتقاد به تکریم؛
۳. گرایش نسبت به حضرت مهدی (عج) و برخورداری از رابطه معنوی با حضرت؛
۴. داشتن صبر و شکیبایی و برخورداری از ظرفیت‌های لازم؛
۵. داشتن روحیه امیدواری و نشاط.

ج) صلاحیت عملکردی (مهارتی)

صلاحیت‌های عملکردی به آن بخش از صلاحیت‌هایی گفته می‌شود که با مهارت‌ها و توانایی‌های عملی مبلغ در فرآیند تبلیغ مرتبط باشد. به بیان دیگر توانایی مبلغ برای انجام یک سری اعمال سنجیده، منطقی و پیوسته را صلاحیت‌های مهارتی می‌گویند. صلاحیت‌های مهارتی یک مبلغ در حوزه مهدویت به طور اجمال عبارتند از:

۱. توانایی به کارگیری شیوه اقدام پژوهی مشارکتی در تربیت مهدوی؛
۲. توان به کارگیری روش‌های نوین و مؤثر؛
۳. مهارت در حفظ فضای عاطفی و اخلاقی در کلاس‌ها و برنامه‌های مهدوی؛
۴. توان درگیر کردن مخاطبان خود در فعالیت‌ها و ایجاد روحیه کار گروهی در جوانان. افزون بر آن چه گفته شد، مبلغانی که برای ایفای این نقش خاص در نظر گرفته شده‌اند و قرار است که روحیه اطاعت‌پذیری و تبیین فرهنگ انتظار و مهدویت را پدید آورند، پیش از هرگونه فعالیت، خود باید یک انسان مطیع و منتظر و برخوردار از ویژگی‌ها و شرایط یک انسان



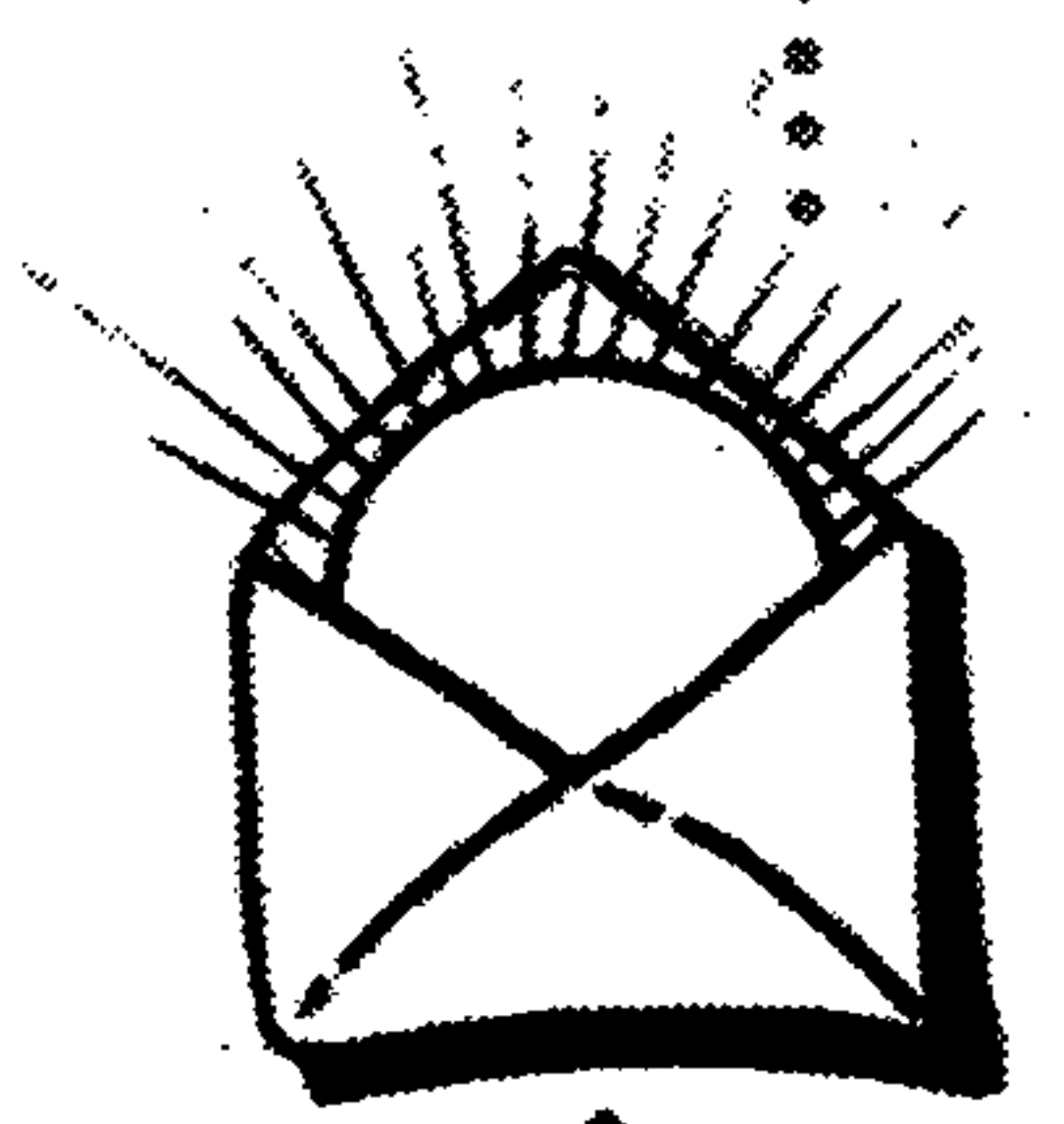
منتظر باشند. کسی که می‌خواهد مردم را به برقراری ارتباط معنوی و عاشقانه با امام زمان (عج) دعوت کند، نخست خود باید این ارتباط را برقرار کرده باشد. به بیان دیگر، باید خود، یک شخصیت مهدوی باشد تا بتواند شخصیت مهدوی پروراند. در این صورت است که می‌تواند یک شخصیت تأثیرگذار در مخاطبان خود باشد؛ چرا که پیچیدگی امر تربیت و رساندن پیام‌های دینی در شرایط کنونی (کم‌حوصلگی انسان‌ها، افزایش روش‌های اطلاع‌رسانی و تنوع آن‌ها، اشتغالات ذهنی انسان‌ها به مسایل پیرامون خود و...) می‌طلبد نیروهایی که عهده دار ارسال پیام‌های دینی هستند بیش از گذشته به روش‌های اطلاع‌رسانی مجهز و به فنون و اصول تعلیم و تربیت، آشنا باشند. در غیر این صورت همان‌طور که در بخش‌های گذشته اشاره شد، پیام به متربی نخواهد رسید.

اگر چه اخیراً برخی مراکز تخصصی و پژوهشی فعالیت‌های خوبی را در زمینه تربیت نیروی کارآمد و پاسخ‌گو در حوزه مهدویت آغاز کرده، ولی به دلیل تأخیر در آغاز این فعالیت‌ها، هم‌چنین جوان بودن جمعیت کشور ما و از سوی دیگر رویکرد جدی نسل جوان به بحث مهدویت، این فعالیت‌ها در این حد تأمین‌کننده نیاز فرهنگی جامعه ما نمی‌باشد.

به هر حال در عصری که عصر اطلاعات، ماهواره

● مبلغانی که برای ایفای این نقش خاص در نظر گرفته شده‌اند و قرار است که روحیه اطاعت‌پذیری و تبیین فرهنگ انتظار و مهدویت را پدید آورند، پیش از هرگونه فعالیت، خود باید یک انسان مطیع و منتظر و برخوردار از ویژگی‌ها و شرایط یک انسان منتظر باشند. کسی که می‌خواهد مردم را به برقراری ارتباط معنوی و عاشقانه با امام زمان (عج) دعوت کند، نخست خود باید این ارتباط را برقرار کرده باشد.

و در هم نوردیده شدن مرزهای جغرافیایی و عصر آبر رسانه‌ها، آسمان باز، ترافیک هوایی اطلاعات و... است، نسبت به تربیت نیروهای روشمند و آشنا به آخرین فن‌آوری اطلاع‌رسانی، باید به جدیت اقدام گردد تا بتواند پیام مهدویت را با بهترین و مؤثرترین روش‌ها و شیوه‌های تربیتی به گوش جوانان برساند. استفاده از روش تخویف به جای روش ترغیب تحقیقات صورت گرفته در زمینه مهدویت و میزان درونی‌سازی این ارزش، نشان‌دهنده این واقعیت تلخ است که عمدتاً برای تبیین این فرهنگ و گسترش آن از روش تخویف استفاده شده است. غالباً در منابر و مساجد از کشتار انسان‌های غیرمطیع به دست امام زمان (عج) و خون‌ریزی انسان به حدی که تمام زمین را خون فرا می‌گیرد و از این

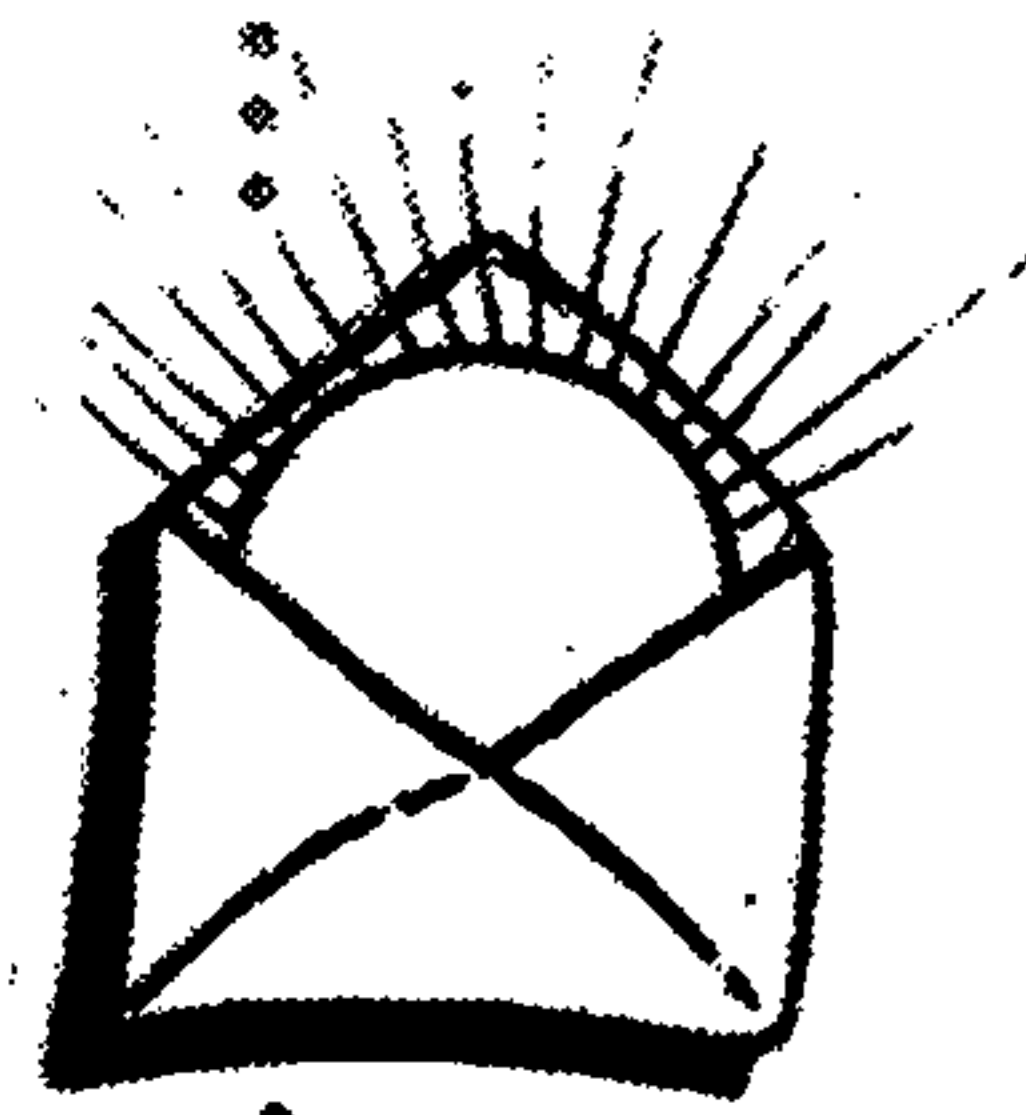
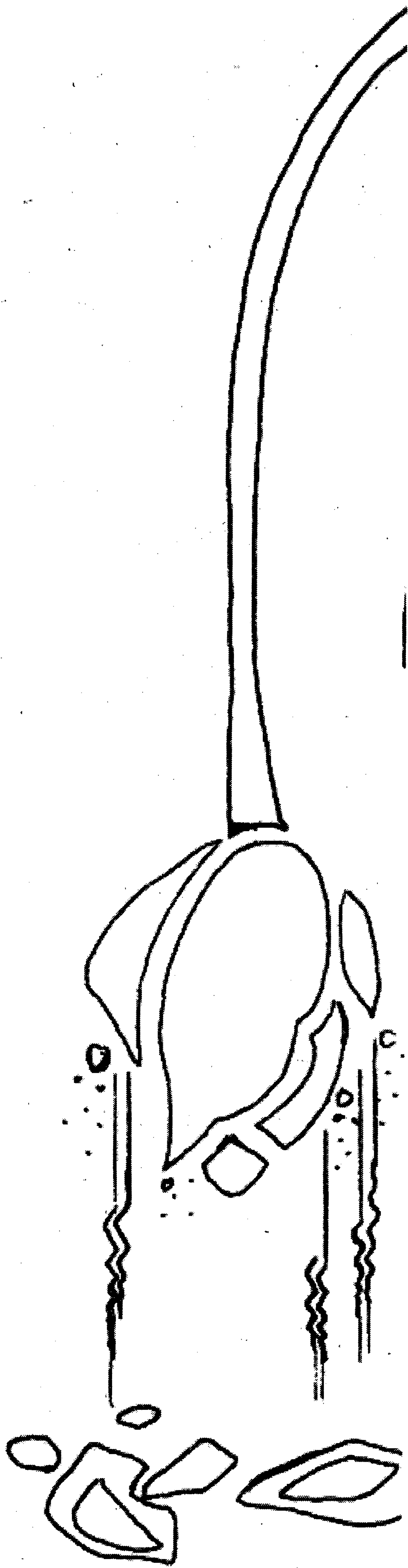


مسایل سخن به میان آمده است. نخستین نکته‌ای که پس از شنیدن نام امام زمان (عج) و عصر ظهور به ذهن افراد خطور می‌کند، شمشیر، خشونت و قتل افراد توسط امام زمان (عج) است. این مسئله یکی از مهم‌ترین عوامل آسیب‌زا در حوزه مهدویت می‌باشد. در حالی که اساساً تحریک آدمی نسبت به ارزش‌های دینی در گرو ایجاد رغبت و شوق و توجه به آثار و وجوه زیبای آن مسئله است.

برخی مبلغان دینی به جای این که از آثار زیبای ظهور حضرت و تحقق آرمان‌های بلند بشر در طول تاریخ در عصر ظهور، نیز از ویژگی‌های حکومت حضرت مهدی (عج)، از محبت و عشق ایشان نسبت به مردم سخن بگویند، از شمشیر و خشونت و... حرف می‌زنند. با این وجود چگونه انتظار داریم که نسل ما، یک نسل منتظر باشد و از جمله دعا‌های آنان، دعا برای ظهور حضرت باشد؟

جالب این است که در مسئله سنجی که صورت گرفت، غالب دختران نوجوان گفته بودند: ما می‌ترسیم برای ظهور آقا دعا کنیم؛ چون شنیده‌ایم حضرت سر آدم‌ها را با شمشیر می‌زند.

دقیقاً از روش‌هایی برای معرفی شخصیت امام زمان (عج) بهره می‌گیریم، که دشمن و به ویژه صهیونیست برای مهدی زدایی و مهدی ستیزی از آن بهره می‌جوید. آنان به وسیله فیلم، بازی‌های رایانه‌ای، نمایشنامه و... چهره‌ای خشن و وحشتناک از امام زمان (عج) ترسیم می‌کنند که متأسفانه دوستان حضرت هم چهره‌ای که از ایشان در منظر کودکان مجسم می‌نمایند، چهره‌ای خشن است که تنها با



شمشیر و کشتار پیام خود را به مردم می‌رساند.

در حالی که در روایات به قدری از زیبایی‌های زمان حضرت گفته شده که اگر آن‌ها رواج پیدا کند، قطعاً انسان‌ها بی‌صبرانه برپایی حکومت جهانی حضرت و ظهور وی را می‌کشند مانند روایاتی که به رشد عقلی، رشد علمی، ایجاد رفاه و گسترش روابط عاطفی در مناسبات اجتماعی مردم اشاره دارد، هم‌چنین ریشه کنی فقر و بی‌عدالتی و ایجاد امنیت و آرامش در عصر ظهور که به فراوانی هم وجود دارد، می‌تواند رغبت آفرین و محرک باشد؛ این در حالی است که کم‌تر از آن‌ها سخن به میان آمده است.

مردم به ویژه جوانان به طور روانی به هر آن چه که امیدآفرین و نشاط آور باشد رغبت دارند و از هر آن چه که بوی یأس و ناامیدی و خشونت دارد روی گردانند.

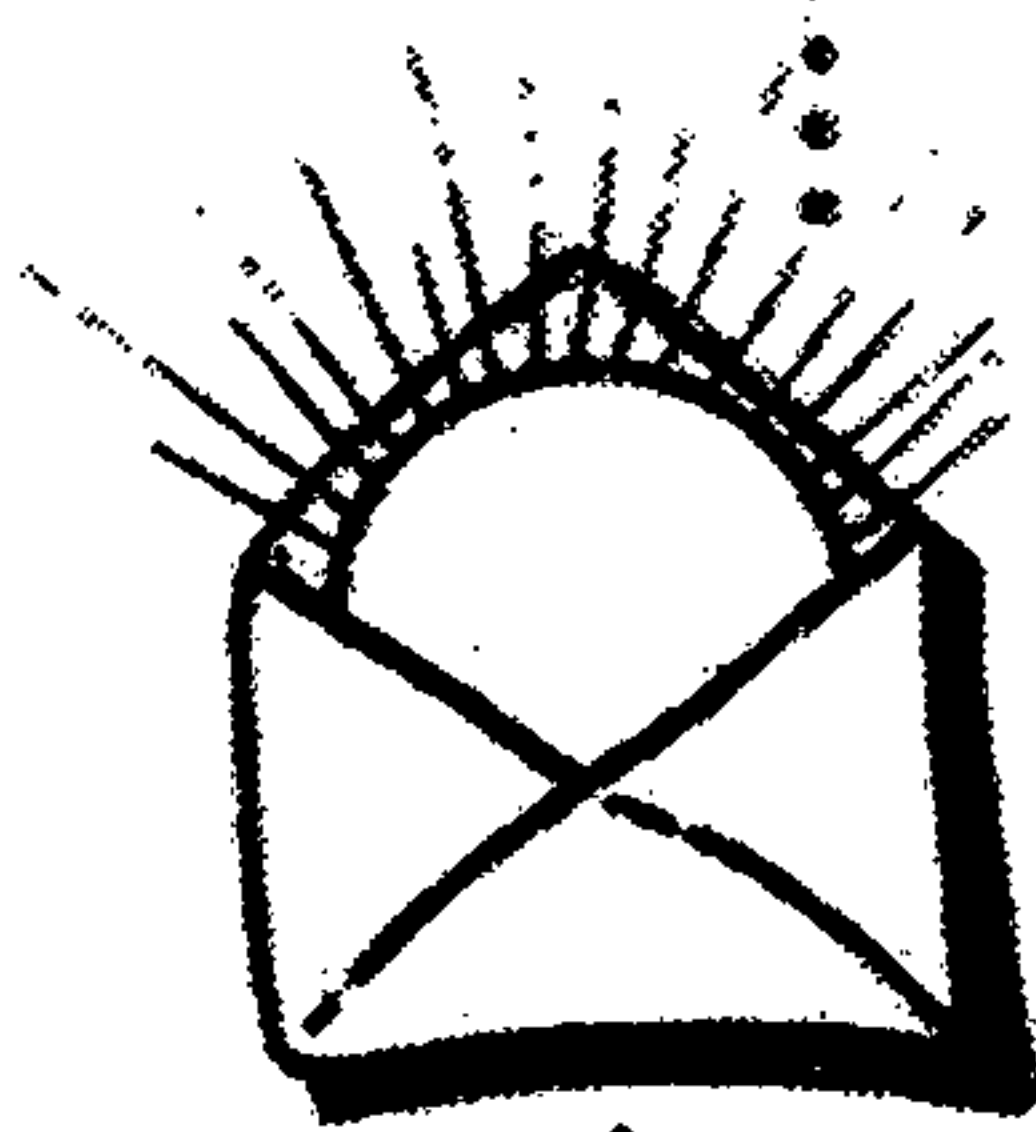
به هر حال تکیه بر زیبایی‌های عصر ظهور، می‌تواند درهای زیبایی و لطایف تربیت مهدوی را بر روح و روان مخاطبان ما بگشاید. باید با توجه به طبیعت خاص انسان که از هنر و زیبایی لذت می‌برد و از شنیدن مطالب خشک و یک نواخت گریزان است، برای انتقال پیام‌های مهدوی از روش‌های هنری و زیباشناسی بهره جست. لازم است مربیان و مبلغان با استفاده از امکانات و ابزارهای کارآمد مثل فیلم، گرافیک، نقاشی، شعر، داستان و ... زمینه را برای استحکام پایه‌های معرفت دینی متربیان فراهم کنند.

باید پیام مهدوی به پرده‌ای زیبا با تصاویری دلنشین همراه شود. در زیبایی است که انسان کشش پیدا می‌کند، شوق درونی‌اش شکفته می‌شود و به وجد می‌آید.

لازمه کشش درونی نسبت به مباحث مهدویت، تلطیف دل است. دل باید نسبت به پذیرش پیام مستعد شود. فخر رازی در تفسیر تلطیف ساختن دل می‌گوید: «منظور از تلطیف دل آن است که درون را مستعد توجه به آن قبله کنی». باید بدانیم که با ترس و وحشت، درون مستعد پذیرش نمی‌شود. شرط پذیرش پیام تربیتی آن است که درون را با جمال و زیبایی، لطیف ساخته و همه عواطف را متوجه آن مقصود کنیم. هنگامی که جاذبه در درون انسان به وجود آمد، دیگر خود به دنبال پیام‌ها و ارزش‌های مهدوی می‌رود.

به هر حال، کسی که رسالت تربیت مهدوی را به دوش می‌کشد، باید پیام خود را چهره‌ای زیبا بخشد و با شناخت شرایط عاطفی تربیتی کشش درونی او را مهیا سازد. زیبایی و جمال کلید تربیت مهدوی است و باید کلید را به دست آورد.^۵

از سوی دیگر استفاده از تخویف و ایجاد نگرانی و تشویش، موجب قفل دل، احساس و عواطف و کنش‌های درونی می‌گردد و جز رویگردانی از ارزش‌ها، پایان دیگری نخواهد داشت.



عدم بهره‌گیری از روش‌های درونی سازی و ایجاد نگرش مثبت

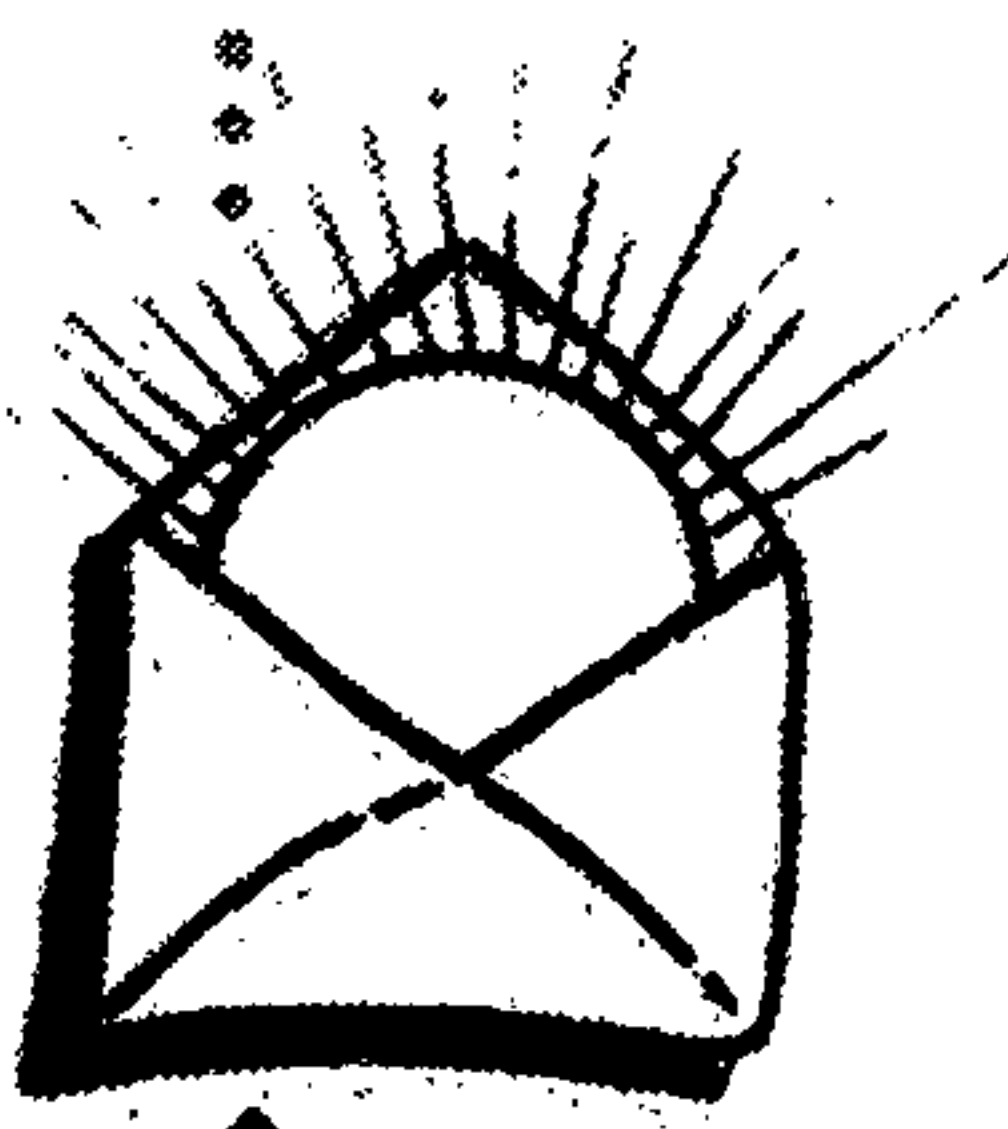
اعتقاد به مهدویت، در صورتی منشأ اثر در زندگی فردی و اجتماعی می‌شود که این ارزش در فرد درونی شده باشد و مخاطبان از درون، پیام ارتباط با امام و ضرورت پیروی را بگیرند؛ به بیان دیگر مهدی را در درون خود بیابند.

یکی از عوامل آسیب‌زا در تربیت نسل ولایت مدار و پیرو امام زمان (عج) این است که مجموعه آموزش‌ها و فعالیت‌های تربیتی ما در راستای مهدی دهی بوده است. در حالی که از نظر کارشناسان دین، مسئله اعتقاد به منجی و مهدویت یک مسئله فطری و درونی است و اگر به جای آرایش و افزایش آگاهی‌های فرد، در این باره مرتب به پیرایش و تهذیب آن دست بزنیم، در این صورت به دلیل نورانیت و اشراق درونی، خود فرد جایگاه منجی را درون خود خواهد یافت. آن موقع است که عشق به مهدی همانند چشمه‌ای از روح فطرت او می‌جوشد و آب زلال این عشق در سرزمین وجود او جاری می‌شود.

براین اساس باید زمینه‌ای فراهم کرد که فرد بتواند از درون احساس کند؛ نه این که از بیرون اقتباس نماید. همه کسانی که دست اندرکار تربیت مهدوی هستند نیز خود باید این احساس را از درون داشته باشند نه آن که به شیوه بازیگران، نقش بازی کنند. در این صورت، آموزش‌های مهدوی منجر به تربیت مهدوی می‌گردد و شعار مهدویت به شعور مهدویت مبدل می‌شود و مراسم و جشن‌های نیمه شعبان موجب پرورش روحیه انقیاد و اطاعت و انتظار می‌گردد. در این صورت حس مهدی‌یابی، مبتنی بر ایمان درونی و سرشار از عشق و معنایابی و لذت انتظار می‌گردد.

به هر حال، آموزش‌های پی در پی و هراس‌آور و غیرموثر در جامعه دینی، به حس درونی و فطری مهدویت آسیب‌هایی دینی وارد کرده است. لازم است که برای خروج از این بن‌بست، به تغییر روش در تبلیغات دینی و مذهبی دست بزنیم و روشی را در تربیت مهدوی اتخاذ کنیم که به مهدی‌یابی منجر شود. در این صورت است که با عشق و شور و نیاز درونی همراه می‌گردد. آن زمان است که مهدی (عج) در متن زندگی فرد قرار می‌گیرد و ظهوری سرشار از عشق و امید و زیبایی در جای جای زندگی او پیدا می‌کند. فرد مهدی‌باور با تمام وجود در می‌یابد که منجی عالم بشریت در سراسر جهان هستی ظهور دارد گرچه ظاهراً این که حضور ندارد. احساس این ظهور موجب می‌شود که امید به زندگی و نشاط و محبت و شور و شوق انتظار در او ایجاد شود.

می‌دانیم که فعالیت‌هایی منجر به تغییر رفتار می‌گردند که پایگاه درونی داشته باشند و



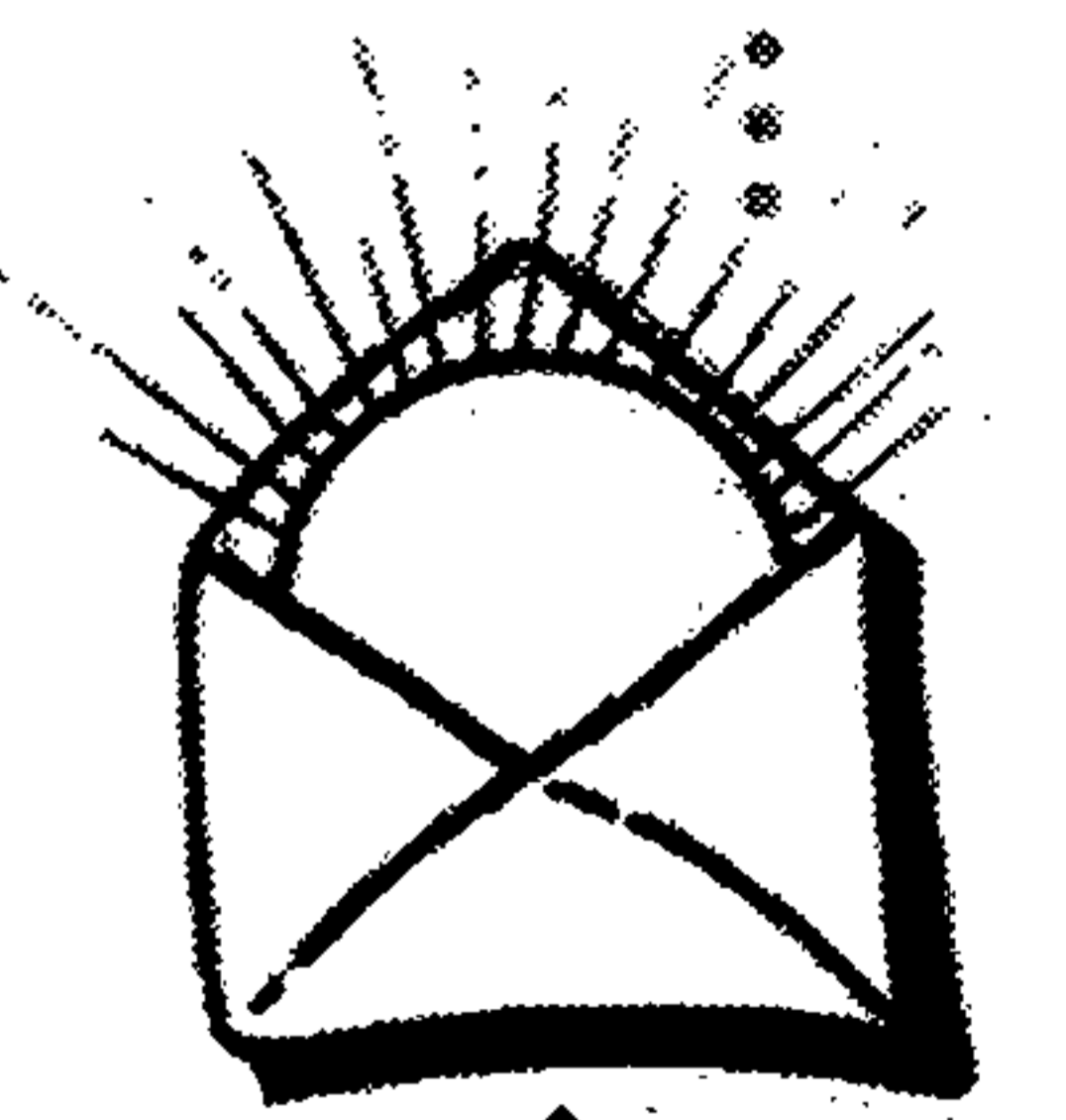
بدون این پایگاه، هرگونه فعالیت جنبه صوری و ظاهری می‌یابد. از آن جا که دین، با تمام جزئیات آن در درون انسان، فطری است از قدرت تغییر بالایی برخوردار است، پس باید از روش‌هایی برای تبلیغ و تبیین فرهنگ مهدویت بهره جست که نهایتاً درونی شدن این ارزش‌ها را در پی داشته باشد.

متخصصان تعلیم و تربیت بر این باورند که برای درونی سازی یک ارزش، باید مراحل مختلف حیطه عاطفی را که از ساده به مشکل است، پشت سر گذاشت. پیمودن این مراحل موجب تغییر در نظام ارزشی فرد می‌شود و مهدویت به عنوان یک ارزش در شخصیت او متبلور می‌گردد.^۶ این است مفهوم درونی سازی که متأسفانه کم‌تر از این قالب‌ها، برای تغییر نظام ارزشی و نهایتاً درونی کردن ارزش‌های اخلاقی در فعالیت‌های مذهبی بهره گرفته می‌شود.

استفاده نکردن از روش اسوه‌پردازی

در تربیت مهدوی و استفاده از وجود مبارک امام زمان (عج) به عنوان کسی که خود بیش از دیگران دستورات دین را در رفتار و کردار خویش نمایان ساخته و به عنوان یک انسان کامل، راه تکامل را پیموده است، اهمیت بسیاری دارد. به همین دلیل شایستگی این مقام را پیدا کرده تا دست دیگران را هم در دست خود قرار دهد و به مطلوب‌هایی برساند. اگرچه استفاده از روش الگویی در عصر غیبت، برای ما به دلیل عدم امکان ارائه الگوهای عینی امری مشکل است، ولی به هر حال می‌توانیم در صورت ارائه درست شخصیت حضرت به جوانان، شخصیت ایشان را به عنوان یک الگو، معرفی کنیم. حتی با توجه به تعلق امام زمان (عج) به عصر ما، آن حضرت، بیش از امامان دیگر می‌تواند نقش الگودهی داشته باشد. البته در صورتی که شخصیت امام را یک شخصیت فرا انسانی جلوه ندهیم و آن قدر به این شخصیت اسوه و نمونه قداست نبخشیم که امکان همانندسازی با این الگوی ربانی را از جوانان سلب کنیم. چرا که اگر در منظر جوانان الگوهای ربانی چون امامان معصوم، موجوداتی دست نیافتنی و عرشی باشند که متعلق به آسمانند نه زمین، دیگر امکان الگوگیری از این شخصیت را غیرممکن می‌دانند.

البته نباید به خاطر فرار از فرا انسانی جلوه دادن حضرت، به دام تقدس زدایی از ایشان بیافتیم. بلکه باید سعی شود با ترسیم سیمای انسانی حضرت مهدی (عج) که در روایات ما هم خوشبختانه زیاد از این جنبه زندگی حضرت سخن به میان آمده است، امکان همانندسازی و متابعت و ارتباط را در مخاطبان ایجاد کنیم. در عین حال، نباید از ویژگی‌های خاص و ملکوتی حضرت که خود در ساختن یک شخصیت پرجاذبه برای جوانان می‌تواند مؤثر باشد، غافل بود. به هر حال عدم توفیق متولیان تعلیم و تربیت در ارائه الگویی درست از شخصیت حضرت



در زمان کنونی و استفاده نکردن از روش اسوه‌پردازی، موجب شده است که نسل جوان ما از این الگوی متعالی و ربانی و متعلق به زمان، کم‌تر بهره‌جوید. در حالی که جا دارد از روش اسوه‌پردازی که مؤثرترین روش در تربیت دینی است برای تربیت مهدوی بیش‌تر بهره‌برداری کنیم.

استفاده نکردن از روش‌های هنری - ادبی

یکی دیگر از آسیب‌های فعالیت‌های فرهنگی مهدویت، عدم بهره‌گیری اصولی و درست از هنر و ادب در تبلیغ و تبیین مباحث مهدوی است.

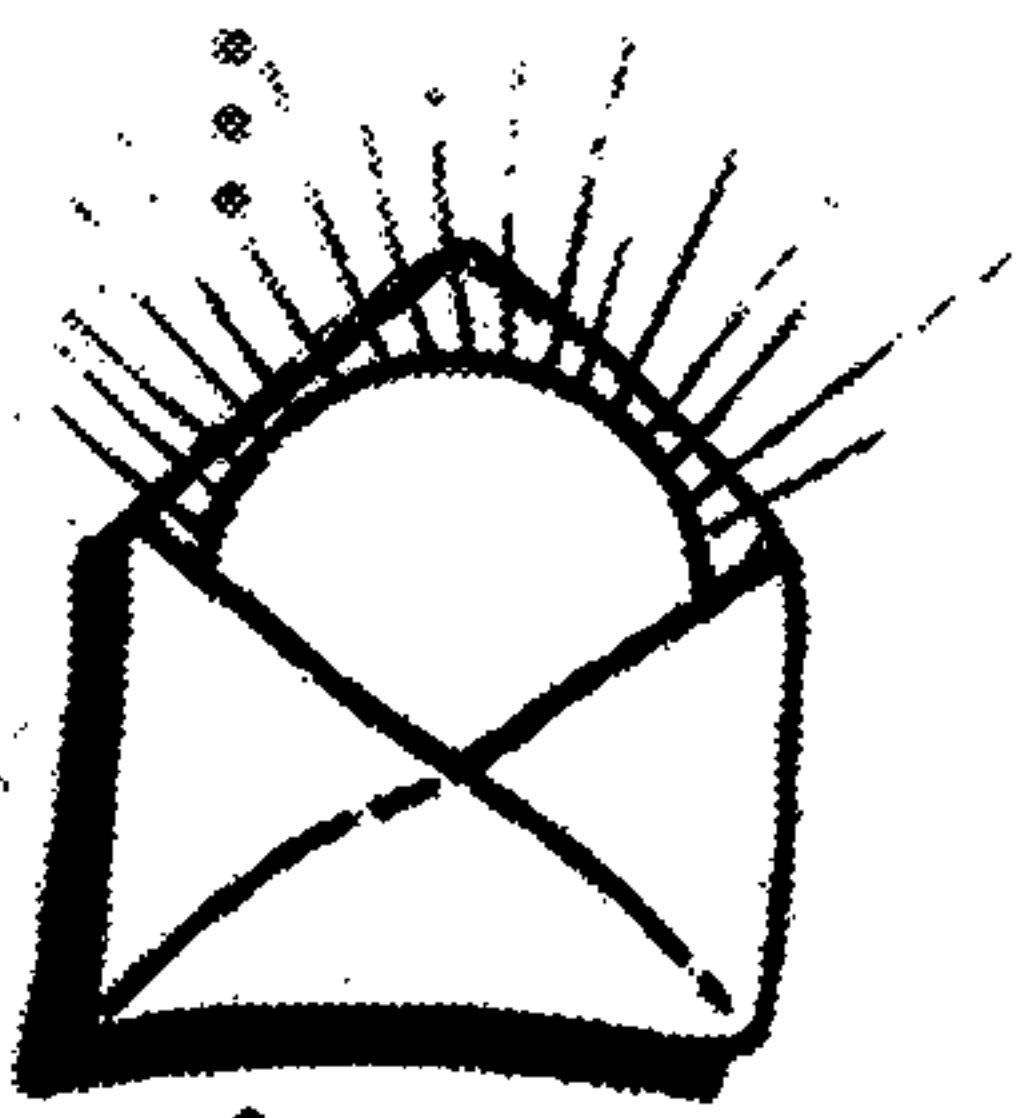
با توجه به گرایش جوانان و نوجوانان نسبت به هنر و ادب و علاقه‌مندی آنان به شعر و متون آهنگین و جاذبیتی که این گونه ابزار برای آنان دارد، جا دارد ارائه مباحث مهدویت برای این قشر با بهره‌گیری بجا و منطقی و اصول‌مند از سبک‌های هنری و ادبی همراه شود؛ چرا که این مسئله در جذب و ایجاد رغبت درونی در مباحث مؤثر و کارساز است.

بنابراین، می‌توان با بهره‌گیری از هنر و ادبیات، درهای زیبایی و لطایف تربیت مهدوی را بر روح و روان مخاطبان گشود و از طریق هنر به خلق زیبایی‌های معنوی در جوانان پرداخت. با توجه به طبیعت خاص انسان که از هنر و زیبایی لذت می‌برد و از شنیدن مطالب خشک و یکنواخت گریزان است، برای انتقال پیام‌ها در حوزه مورد بحث باید از روش‌های هنری و زیباشناسی استفاده کرد.

امروزه استعمارگران برای رسیدن به اهداف شوم خود کم‌تر مردم را به طور مستقیم و به صورت خشک به آن راه دعوت می‌کنند، بلکه با ظواهر زیبا آنان را با اهداف خویش همراه می‌سازند. آن‌ها از تمامی امکانات مثل فیلم، کارتون، تئاتر، نقاشی، گرافیک، مجسمه‌سازی، خط، مسابقه، معما و... و در یک جمله «هنر» برای استحکام پایه‌های الحادی خود به خوبی بهره می‌جویند، ولی متأسفانه ما، تنها برخی از روش‌های سنتی و معین را به رسمیت می‌شناسیم. در هر صورت به خوبی می‌شود از هنر و ادبیات دینی در تثبیت آموزه‌های مهدوی بهره ببریم.

عوامل آسیب‌زا در بخش محتوا

تاکنون به روش‌های آسیب‌زا که به طور مستقیم در فرهنگ مهدویت تأثیر گذار است پرداختیم. در این قسمت از نوشتار به برخی از عوامل آسیب‌زا در بخش محتوا اشاره می‌کنیم. منظور از محتوا، دانش و آگاهی است که مخاطبان در حوزه مورد بحث به آن نیاز دارند. تهیه محتوا از اصول خاصی پیروی می‌کند. که اگر به این اصول توجه نشود، موجب آسیب در حوزه معارف مهدوی می‌گردد. در این بخش به صورت خلاصه و کوتاه به اصولی که باید در



تهیه مباحث مهدویت مورد توجه قرار گیرد اشاره می‌شود. (مقوله اختلال‌های مفهومی و مصداقی و همچنین تحریفاتی که در مباحث مهدوی در طول تاریخ به ویژه در عصر غیبت صورت گرفته است بحثی مبسوط و مفصل است که در این نوشتار مجال پرداختن به آن نمی‌باشد).

الف) روانی و سادگی

امروزه در بحث ارتباطات گفتاری به این نکته اشاره می‌شود که مخاطبان به ادبیات ساده عادت کرده و علاقه‌مندند با کوتاه‌ترین، روشن‌ترین و گویاترین عبارات، محتوای پیام را درک کنند. مباحث مهدویت هم از این قاعده مستثنی نیست. البته سادگی و روانی، مسئله‌ای نسبی است و با توجه به مخاطبان متفاوت است. هدف از این توصیه رعایت حدود مخاطبان و نیفتادن به دام استفاده از واژه‌های سنگین و نابجاست.

محتوا، نباید نه چنان ساده باشد که مخاطب را دلزده و او را دچار حالت بی‌نیازی کند و نه آن گونه پیچیده که نیاز به توجهات و تأملات مداوم پیدا شود و در پایان توجه و اعتماد به نفس او را دچار کاستی کند. به طور کلی مربی نباید سعی خود را صرف اثبات هویت علمی خویش کند یا با به کار بردن واژه‌هایی پیچیده، سعی نماید پیام خود را علمی نشان دهد که در این صورت، توجه مخاطبان را از دست می‌دهد. قرآن کریم نیز به این اصول مهم توجه داشته و فرمود:

﴿فانما یسرناه بلسانک لعلهم یدکرون﴾^۷

همانا قرآن را بر زبان تو آسان نمودیم امید است که مردم متذکر شوند.

و یا می‌فرماید:

﴿و لقد یسرنا القرآن للذکر فهل من مدکر﴾^۸

قرآن را برای پند گرفتن و یادآوری آسان نمودیم. آیا پند گیرنده‌ای هست؟

ائمه اطهار(ع) هم از جمله آسیب‌های پیام را تکلف و دشواری پیام دانسته‌اند. در همین رابطه امام صادق(ع) می‌فرماید:

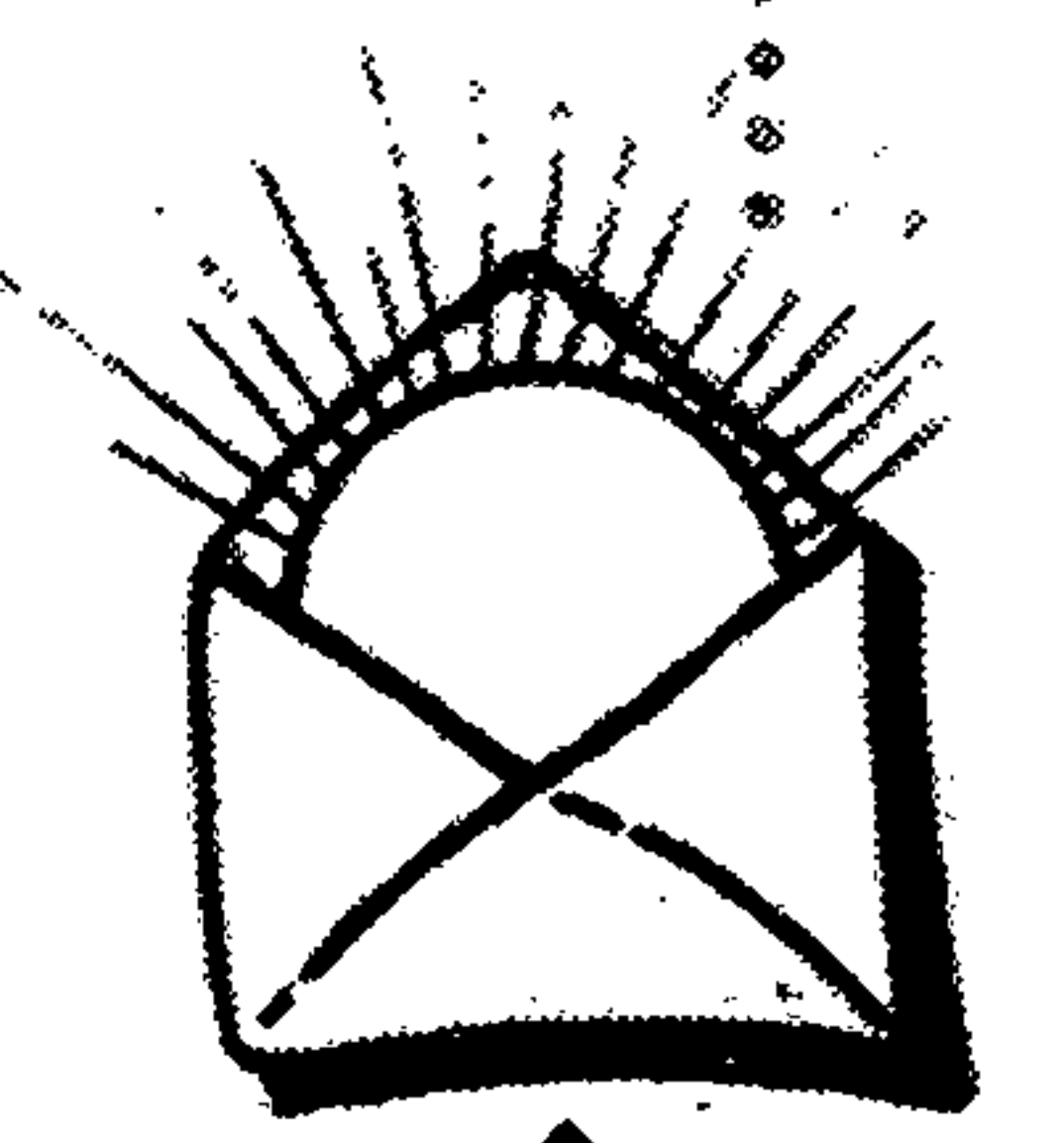
و التکلف فی تزین الکلام بزوائد الالفاظ.^۹

برای زیبایی سخن و گفتار با استفاده از واژگان زاید، خود و دیگران را به زحمت بیندازد.

امیر بیان حضرت علی بن ابیطالب(ع) می‌فرماید:

البلاغة ما سهل علی النطق و خفّ علی الفطنة.^{۱۰}

سخن رسا آن است که به آسانی بر زبان آید و به سادگی فهمیده شود.



ب) موضوعات مورد علاقه و شوق آفرین

یکی از نکاتی که باید مورد توجه قرار گیرد، علاقه و احساس نیازمندی دو جانبه انتقال دهنده و گیرنده پیام نسبت به موضوع گفتار است.

باید توجه داشت چنانچه کسی به موضوعی علاقه ندارد و آن را با اعماق وجودش احساس نمی‌کند، نمی‌تواند انتقال دهنده خوبی برای آن پیام باشد. این گونه افراد در انتقال پیام موفق نخواهند بود؛ زیرا مباحث ارزشی هنگامی که از اعماق جان باشد، در دل دیگران خواهد نشست. هنگامی که پیام، زبانی باشد از حد گوش فراتر نمی‌رود و چه زیبا حضرت علی (ع) همگان را به این نکته توجه می‌دهد:

إذا طابق الكلام نية المتكلم قبله السامع و اذا خالف نيته لم يحسن موضعه
فی قلبه. ۱۱

هرگاه سخن گوینده با باور درونی اش یکسان باشد شنونده آن را می‌پذیرد و هرگاه با باور درونی اش یکسان نباشد در جان شنونده از جایگاه خوبی برخوردار نمی‌شود.

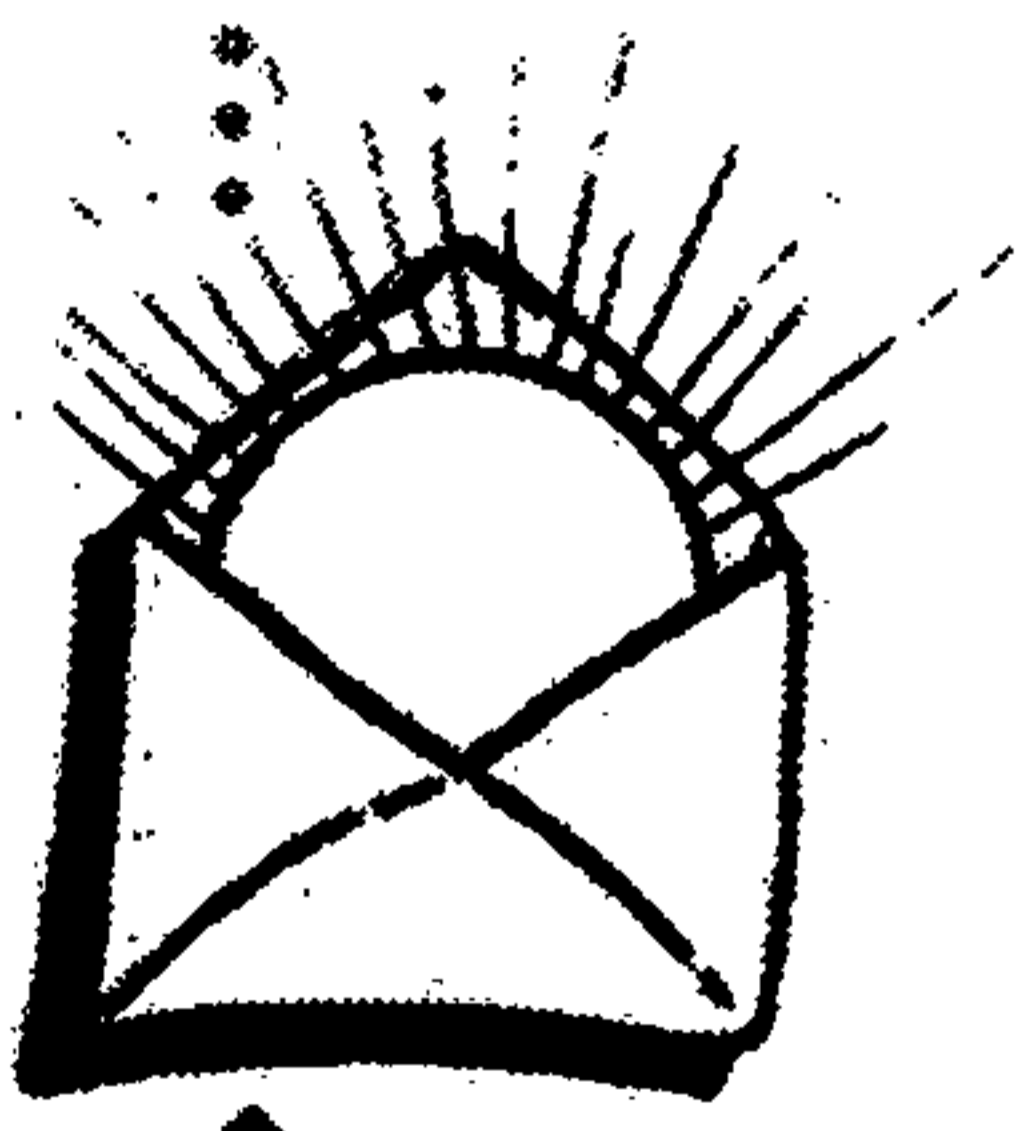
از این رو باید مبلغان مهدویت خود سراسر عشق و شور و علاقه نسبت به موضوع باشند و علاوه بر آن به موضوعات شورآفرین و مورد علاقه مخاطبان در مباحث مهدویت بپردازند و غالباً مباحثی مورد علاقه مخاطبان است که مورد نیاز آنان باشد. از این رو باید در تهیه محتوا، به این مسئله توجه شود.

پ) اصل تناسب محتوا با مراحل رشد

یکی دیگر از اصولی که باید در تهیه محتوا مورد توجه قرار گیرد، تناسب محتوا با مراحل رشد و نیازمندی‌های مخاطبان است. چرا که در هر مرحله از رشد با توجه به اقتضائات و

خصوصیات آن دوره، ادبیات و زبان ویژه آن دوره لازم است. به طور کلی، آموزش باید با درجه رشد ذهنی مخاطب متناسب باشد. روان‌شناسی رشد، در صد سال اخیر از لحاظ مطالعه رشد و مراحل آن و خصوصیات هر دوره به پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای دست یافته، که شایسته است مبلغان مباحث مهدویت، با توجه به این مراحل موضوعات را تهیه و ارائه نمایند. علاوه بر آن، مبلغ و مبین فرهنگ مهدویت،

● آموزش‌های مهدوی باید در یک برنامه ریزی زمانبندی شده متوازن و مبتنی بر شناخت نیازها، علایق و قابلیت‌ها صورت گیرد و توجه به وضعیت بدن و شرایط ذهنی، فکری و روانی انسان در هر مرحله از رشد، یک الزام تربیتی است.



باید شروع این فرصت‌ها و مراحل رشد را به خوبی بشناسد و ادبیات خاص آن را بداند و مواظب باشد که این قبیل فرصت‌ها بدون بهره برداری از دست نرود.

این مسئله در نظام تربیتی اسلام هم کاملاً مورد توجه قرار گرفته و از نظر اسلام، تربیت به طور کلی به سه دوره سیادت، اطاعت و وزارت تقسیم شده است، که هر دوره روش‌ها و ویژگی‌های خاص خود را دارد. در دوره سیادت ادبیات احساسی و عاطفی صرف برای آموزش و یادگیری ضروری است، در دوره اطاعت آمیزه‌ای از احساس و تعقل و در دوره وزارت با ادبیات تعقل و استدلال باید با او سخن گفت.

امیر بیان حضرت علی (ع) هم اشاره‌ای زیبا به این مطلب دارد:

«الامور مرهونه باوقاتها. کارها در گروگان زمان‌های خود هستند».^{۱۲}

هم چنین در بیان دیگر می‌فرماید:

شتافتن (در کاری) پیش از آن که فرصت از دست رود و درنگ و کندی پس از دست دادن فرصت نشانه نادانی است.^{۱۳}

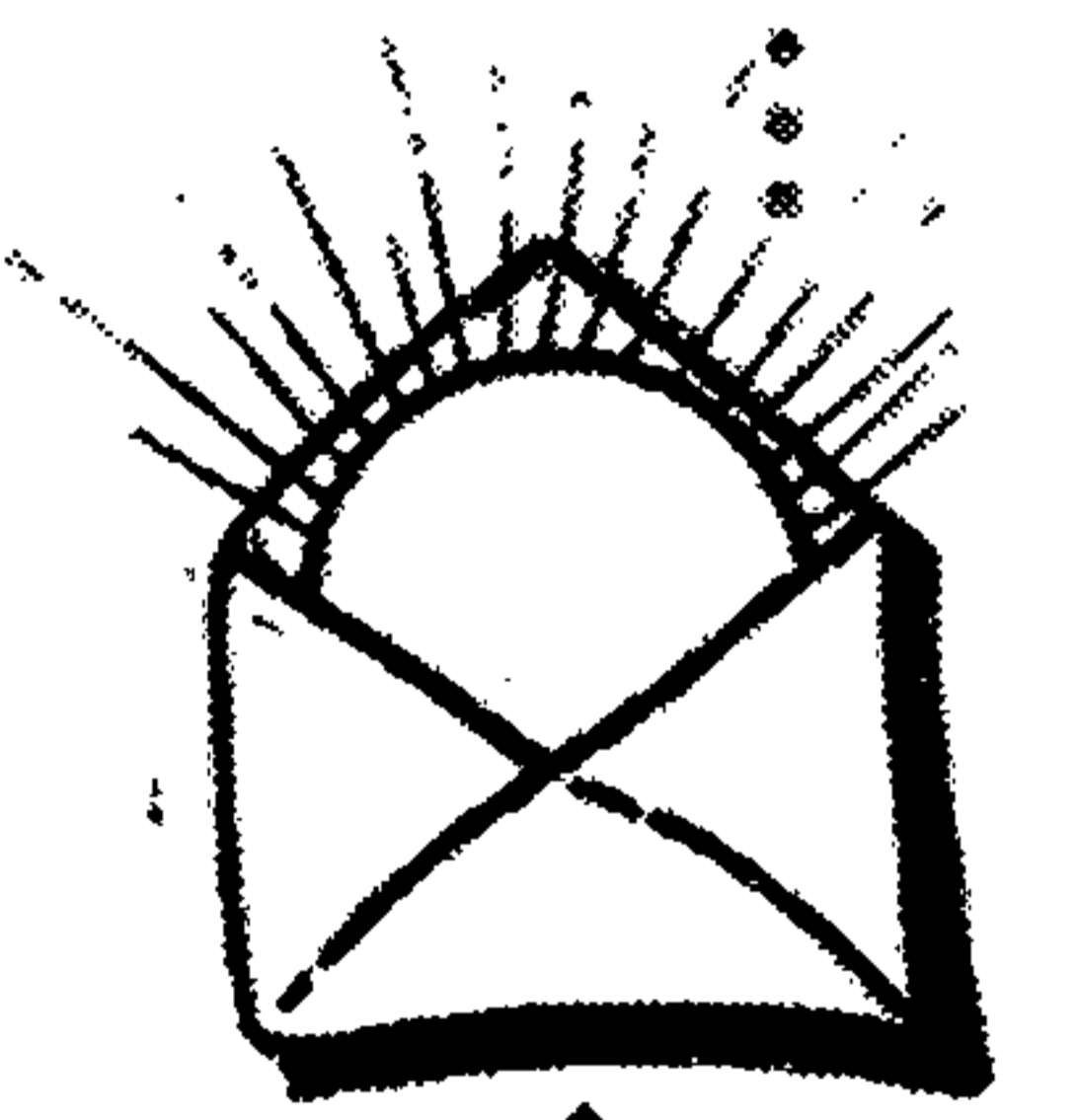
به هر حال آموزش‌های مهدوی باید در یک برنامه ریزی زمانبندی شده متوازن و مبتنی بر شناخت نیازها، علایق و قابلیت‌ها صورت گیرد و توجه به وضعیت بدن و شرایط ذهنی، فکری و روانی انسان در هر مرحله از رشد، یک الزام تربیتی است. متأسفانه غالباً مفاهیم مهدویت با همان ادبیاتی که برای بزرگان گفته می‌شود برای جوانان و حتی کودکان، آموزش داده می‌شود و این مسئله آسیب‌های جدی در این حوزه وارد نموده و لازم است که در خاتمه اشاره شود به بیان بزرگ‌ترین مربی بشریت، حضرت ختمی مرتبت، که فرمود:

«نحن معاشر الانبياء امرنا ان نكلم الناس على قدر عقولهم».^{۱۴}

ت) تصویرسازی با کلمات

از اصول و رموز موفقیت در تبلیغ گفتاری و نوشتاری که باید مورد توجه قرار گیرد، محتوای تصویری است. استفاده از واژگانی که به تصویرسازی ذهن یاری می‌رساند به تبلیغ و ارتباط جان می‌دهد و از خشکی آن می‌کاهد. جملاتی در ذهن مخاطب پایدار می‌ماند که بتواند برای او تصویری روشن بسازد. شیرینی و ماندگاری ضرب‌المثل‌های بشر، از همین قاعده پیروی می‌کند. اگر توجه کرده باشید ضرب‌المثل‌ها پر از تصویر است. مانند «آش نخورده دهان سوخته»، «کاسه داغ‌تر از آش»، «آمدم ثواب کنم کباب شدم»، «موش در سوراخ نمی‌رفت جارو به دم خود می‌بست».

در قرآن کریم و نهج البلاغه این مسئله بسیار مورد توجه قرار گرفته است:



﴿و تكون الجبال كالعهن المنفوش﴾

کوه‌ها مانند پشم حلاجی شده‌ای می‌شوند که رنگ پریده است.

از این رو مناسب است در تبیین و تبلیغ مباحث مهدوی، از واژه‌ها و جملات تصویرساز بهره برده شود؛ چرا که گفتار را در جان مخاطب استوار می‌سازد. اگر قرار است شخصیت ظاهری حضرت توصیف شود، حتی الامکان بهتر است از روایاتی استفاده گردد که این اصل در آن رعایت شده است. به طور مثال روایاتی مانند: «كغصن بان؛ شاخه بیدمشک» یا «او قصب ریحان؛ شاخه ریحان»^{۱۵} استفاده شود و یا صورتش در شدت سرخی مانند ستاره‌ای درخشان و نورانی است.^{۱۶}

ث) پرهیز از کلی گویی

یکی از رموز موفقیت در تعیین محتوا و ابلاغ پیام پرهیز از کلی گویی است. گیرایی محتوا، وابسته به دوری از پرداختن به کلیات مبهم است.

برخی از نویسندگان یا گویندگان در پیام خود، برای تعریف خاطرات و یا داستان‌ها از عباراتی مثل «یکی از شهرها، یکی از بزرگان،...» استفاده می‌کنند. این کار از اعتبار و شیرینی کلام می‌کاهد. پیام هر چه جزئی‌تر و مشخص‌تر باشد رساتر می‌شود. راه حل اساسی برای پرهیز از کلی گویی و بالا بردن ضریب موفقیت در رسایی کلام، استفاده از فرمول خبرنگاران است (علی اقلیدی نژاد - ۱۳۸۰) آنان برای آن که بتوانند یک واقعه را کاملاً پوشش دهند از این فرمول بهره می‌جویند:

۱. که؟ (چه شخصی)؛

۲. کجا؟ (چه مکانی)؛

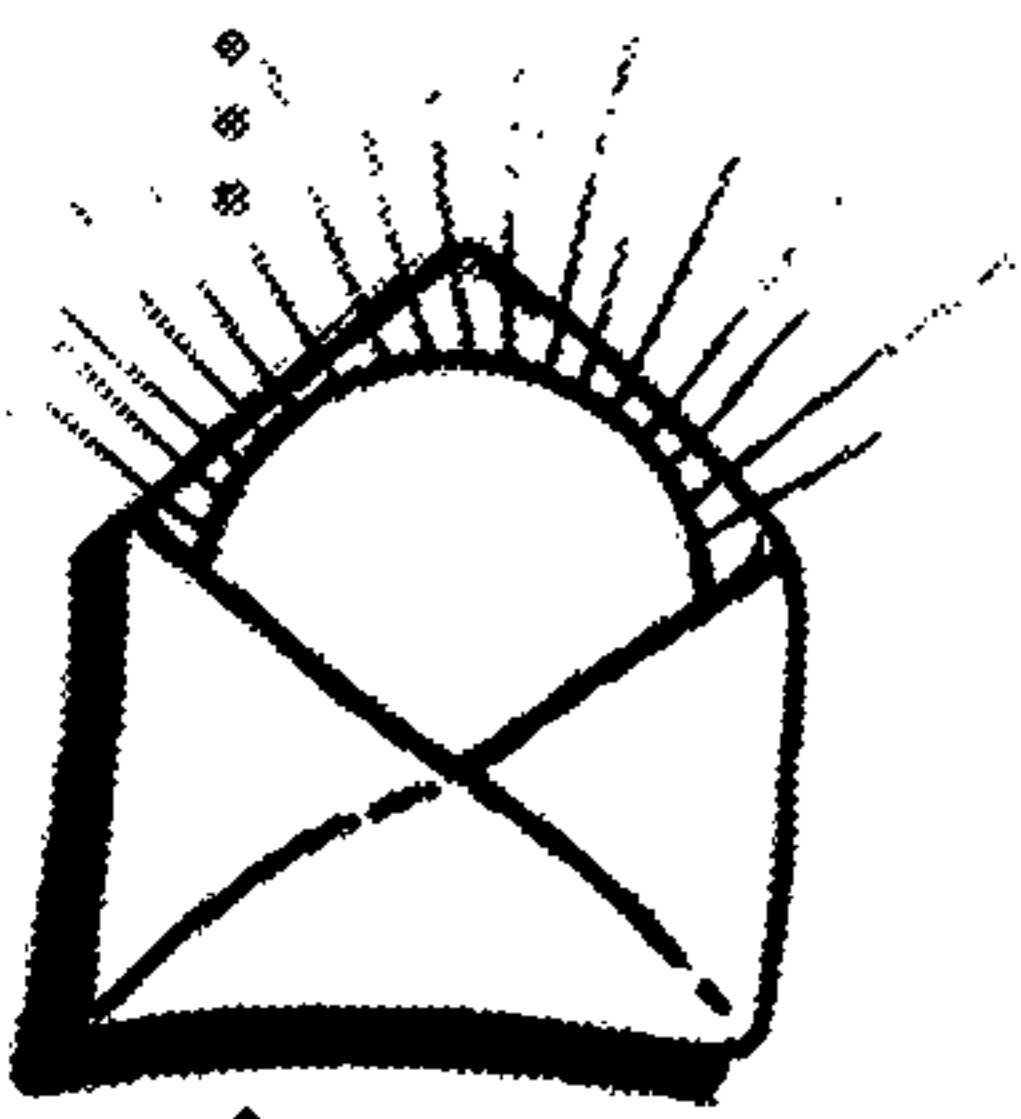
۳. کی؟ (چه زمانی)؛

۴. چه؟ (موضوع)؛

۵. چرا؟ (علت یابی)؛

۶. چگونه؟ (چگونگی).

به هر حال می‌توان با استفاده از قالب بالا، پیام خویش را ضمن دور کردن از کلی گویی‌های رایج، جان بخشید و علاقه مخاطبان را به ادامه ارتباط برانگیخت و محتوایی جامع و کامل را به مخاطب ارائه داد. نکته قابل توجه این است که برای معرفی حضرت مهدی (عج) به صورت خیلی جزئی از مشخصات حضرت سخن به میان آمده است. اگر مبلغان به این مشخصات به صورت جزئی ولی مستند و دقیق با ارائه مدرک اشاره کنند، بحث از جذابیت بالایی برخوردار می‌گردد که در این قسمت به ذکر یک روایت از رسول خدا (ص) و هم‌چنین برخی از خصوصیات ظاهری حضرت بسنده می‌کنیم:



عمران پسر حصین می گوید: به رسول خدا(ص) گفتم: این مرد (مهدی) را برایم توصیف کن و شمه‌ای از حالات او را بیان فرما. پیامبر(ص) فرمود:

او از فرزندان من است، اندامش چونان مردان بنی اسرائیل سخت و ستر است. به هنگام سختی و گرفتاری امت من قیام می کند، رنگ چهره اش به عرب‌ها شباهت دارد، قیافه اش چون مرد چهل ساله می ماند، صورتش چون پاره ماه می درخشد...^{۱۷}

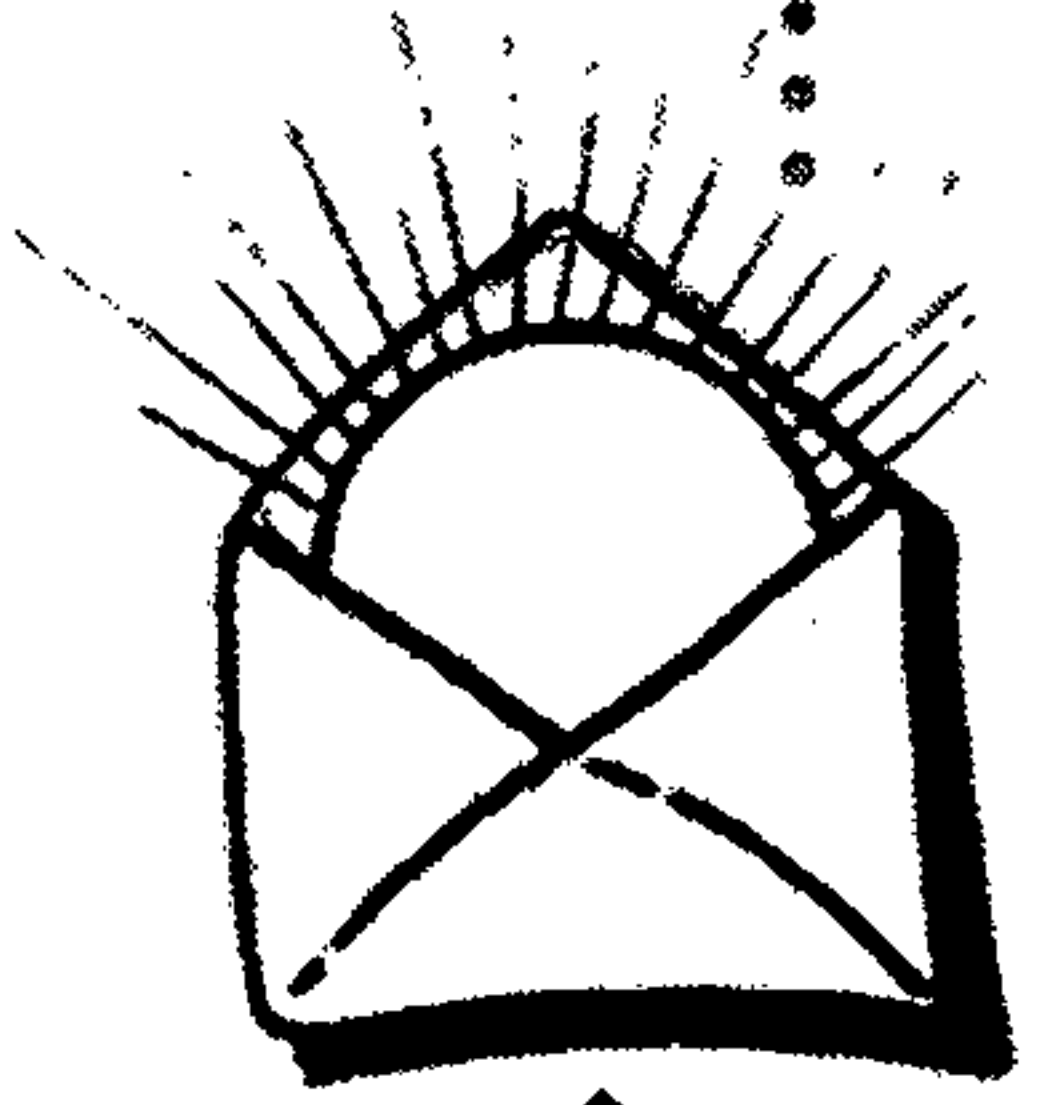
و ذکر ویژگی‌هایی چون زیباروی، سفید، گشاده روی، خوش بو، خوش قیافه و از نظر قامت: جوانی متوسط، باریک اندام، بدنی قوی و از نظر موی سر: موی سرخ، مجعد، کم چین، حتی از چگونگی فرق باز کردن امام هم در روایات سخن به میان آمده است و صورت کم گوشت، یک خال در گونه راست، اثر سجده در پیشانی و بلند پیشانی و از نظر ابرو کشیده و کمان ابرو و نزدیک به هم و چشم حضرت درشت، براق، سیاه چشم و سرمه کشیده و بینی کشیده و باریک و دندان‌های با فاصله و درخشنده و ریشش پرپشت و کوتاه و گردن بلند و کشیده و سینه فراخ و...^{۱۸}

نه تنها از ویژگی‌های شخصی حضرت این همه جزئی سخن به میان آمده است، بلکه برنامه ظهور امام و مسیر حرکت و مسیرهای توقف و تعداد یاران و مکان استقرار آن‌ها و مسایل دیگر به طور کامل آمده است که امکان پرداختن به همه آن‌ها نمی‌باشد. استفاده از این روایات برای جوانان فوق العاده جاذبه دارد و ضمناً وقتی جوانان می‌بینند این همه جزئی و دقیق درباره امام زمانشان در روایات سخن به میان آمده است، بر ضریب ایمان آن‌ها افزوده می‌شود و باور بیش‌تری نسبت به مباحث پیدا می‌کنند.

(و) مرزشناسی در موضوع

برای تهیه یک متن پویا و کارآ و برای جلب اعتماد مخاطبان نسبت به محتوا، تکیه بر یک موضوع و محور قرار دادن آن در تمام بحث لازم است. چرا که در یک زمان محدود نمی‌شود توجه مخاطبان را به موضوعات گوناگون جلب کرد. این کار جز سرگردانی و تردید و ابهام در تمامی موضوعات، دست‌آوردی برای مخاطب نخواهد داشت. باید توجه داشته باشیم که یک کار تمام، بهتر از صدکار ناتمام است. در مقوله مهدویت هم باید این مسئله رعایت شود. در

● در صورتی پیام ما از تأثیرگذاری لازم برخوردار می‌شود که پیام، گزینشی متناسب با روح و احساسات مخاطبان باشد. در غیر این صورت پیام عایق می‌شود و رسایی خود را از دست می‌دهد. پس یکی از ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر در تبیین مباحث مهدویت توجه به مقتضیات زمان و مکان در تعیین پیام و ابلاغ آن است.



یک جلسه نمی‌توانیم به طور مبهم به موضوعات و مسایل متعدد پرداخت، بلکه اگر در یک جلسه یکی از مباحث این حوزه به خوبی تبیین و توصیف گردد، همین مسئله انگیزه و رغبت ایجاد می‌کند که مخاطبان خود به دنبال بقیه مسایل روند و اطلاعاتی را به دست آورند. در غیر این صورت رغبت برای پی‌گیری و دنبال کردن مطالب مهدویت در فراگیر ایجاد نمی‌شود.

چ) دسته بندی و رعایت سیر منطقی محتوا

در تهیه پیام و محتوا توجه به سه نکته اساسی بسیار مهم است.

۱. دسته بندی: پیامی رسا و قابل درک است که از یک دسته بندی خوب و اصولی برخوردار باشد.

۲. علاوه بر دسته‌بندی مطالب، محتوا باید از یک چینش و توالی مناسب بهره‌مند باشد. در غیر این صورت پیام و ابلاغ آن دچار کاستی می‌شود. به عنوان مثال در آغاز بحث، ارائه نتیجه، نوعی قضاوت زودرس تلقی خواهد شد. هم‌چنین ارائه کردن آن، بریدگی مطلب و سرگردانی و تردید مخاطب را در پی خواهد داشت یا این که اگر در ابتدای بحث به ساختار مفهومی بحث نپردازیم تا آخر، بحث از ابهام برخوردار خواهد بود. بهر حال دسته‌بندی مطالب و هم‌چنین چینش مناسب آن موجب انسجام فکری و ذهنی مخاطب می‌گردد و بحث از گیرایی و جذابیت بیش‌تری برخوردار می‌گردد. همان طور که مولای متقیان حضرت علی(ع) در این باره می‌فرماید:

احسن الکلام ما زانه حسن النظام و فهمه الخاص و العام^{۱۹}.

زیباترین سخن آن است که بانظم و ترتیبی زیبا آراسته شده و برای خاص و عام قابل فهم باشد.

۳. گزینش و انتخاب خوب: علاوه بر دسته بندی و سیر منطقی بحث، یکی دیگر از نکته‌هایی که در تعیین محتوا باید به آن توجه داشت، گزینش خوب مطالب است. باید برای تهیه یک متن از بین ده‌ها فیشی که وجود دارد، به گزینش خوب آن‌ها دست زد و تنها به چند فیش برگزیده بسنده کرد. به قول حکیم نظامی گنجوی:

کم گوی و گزیده گوی چون در

تا زانک تو جهان شود پر

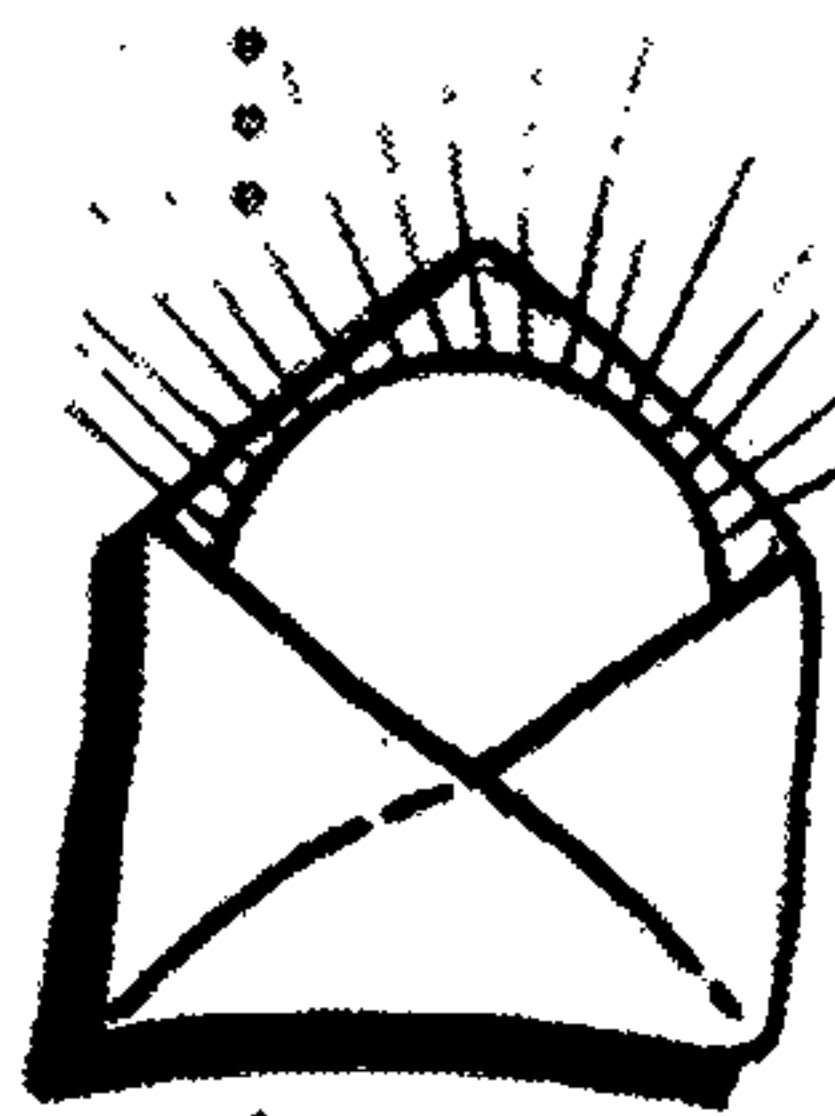
یک دسته گل دماغ پرور

از خرمن صد گیاه بهتر

امیربیان حضرت علی(ع) اشاره بسیار ظریف و لطیف به این اصل مهم دارد و می‌فرماید:

ان المؤمن اذا اراد ان يتكلم بكلام، تدبره في نفسه فان كان خيراً ابداه و ان

كان شراً و اراه.^{۲۰}



مؤمن هر گاه بخواهد سخن بگوید در آن می اندیشد. اگر خوب بود ابرازش می کند و اگر در آن زیان و مفسده‌ای بود بازگوش نمی کند.

و در کلام نورانی دیگری می فرماید:

لا تتكلم بكل ما تعلم فکفی بذلک جهلاً.^{۲۱}

هر چه را می دانی نگو؛ زیرا برای نادانی تو همین بس است.

باید به این نکته توجه داشت که در صورتی پیام ما از تأثیرگذاری لازم برخوردار می شود که پیام، گزینشی متناسب با روح و احساسات مخاطبان باشد. در غیر این صورت پیام عایق می شود و رسایی خود را از دست می دهد.

پس یکی از ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر در تبیین مباحث مهدویت توجه به مقتضیات زمان و مکان در تعیین پیام و ابلاغ آن است. می توان گفت افرادی در عرصه بیان مباحث مهدوی موفق بوده‌اند که با توجه به اقتضات زمان و مکان، پیام را ابلاغ می کردند. هم‌چنین بخش زیادی از ناکامی‌ها در تبلیغ مباحث مهدوی به رعایت نکردن این اصل برمی گردد. به طور کلی گزینش خوب در مسایل مهدوی و انتخاب مباحثی که شوق و نشاط و رغبت و امید ایجاد کند، یکی از رموز موفقیت در ابلاغ پیام است که متأسفانه در انتخاب مباحث مهدویت غالباً دچار کج سلیقه‌ی هستیم.

به طور کلی باید در تهیه محتوا نکات زیر مراعات شود:

۱. فرهنگ مخاطبان شناسایی شود.

۲. بینش و جهان بینی آن‌ها در نظر گرفته شود.

۳. از واژه‌های مناسب سود برده شود.

با رعایت این نکات می توان بیانی متناسب با فرهنگ، بینش و گویش مخاطبان ارائه داد.

ح) پرهیز از زیاده‌گویی

یکی از مسائل مهم در تعیین محتوا (که متأسفانه کم‌تر به آن توجه می شود)، مسئله زیاده‌گویی است. همان طور که حضرت علی (ع) می فرماید:

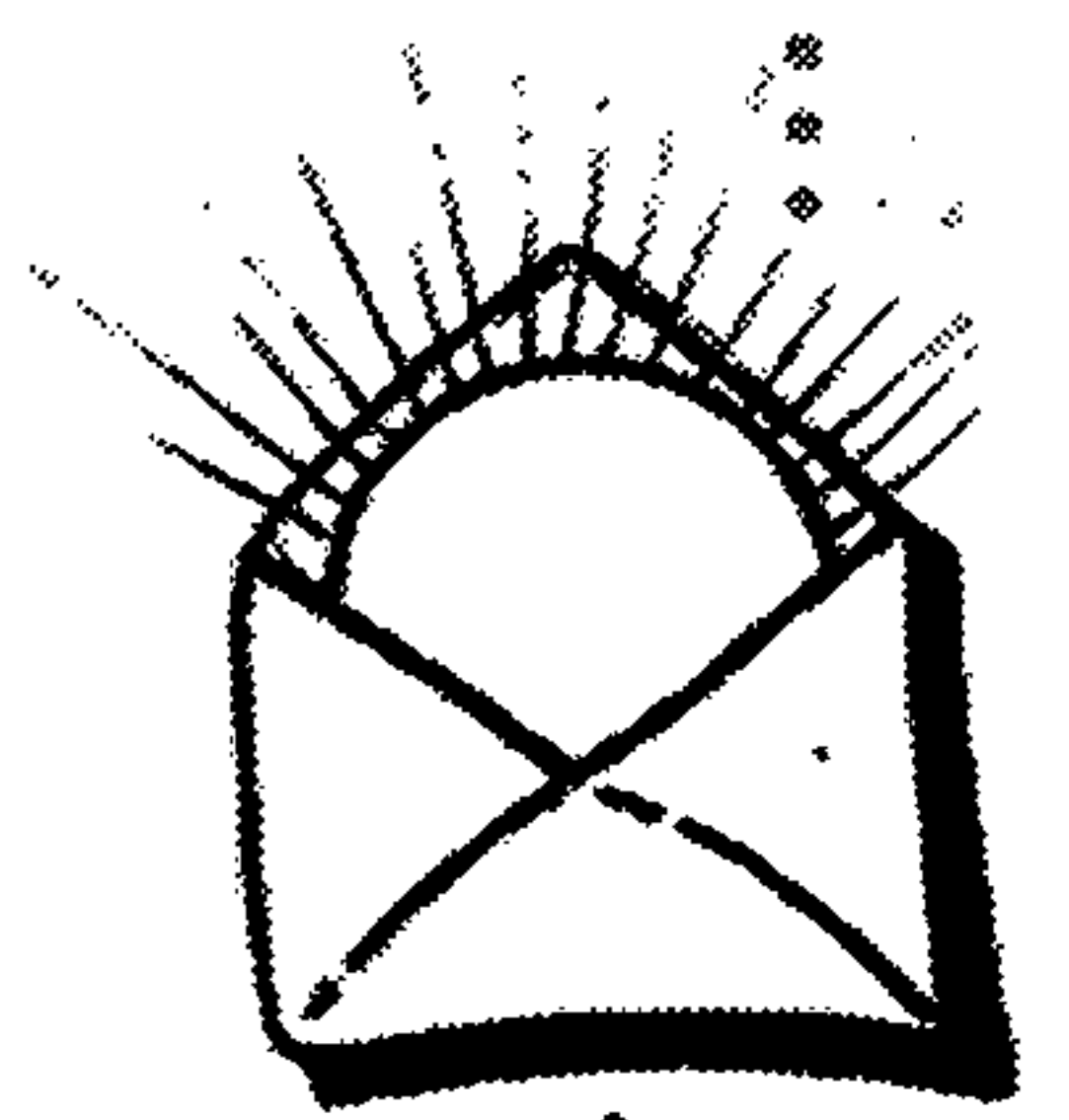
زیاده‌گویی موجب کم شدن بهره کلام می شود و جز خستگی و کسالت نتیجه دیگری برای خواننده ندارد.

سفارش پیامبر اکرم (ص) نیز همین است:

عن عمار بن یاسر قال: «امرنا رسول الله باقصار الخطب»^{۲۲}؛

رسول گرامی اسلام، ما را به کوتاهی سخنرانی امر می کردند.

برای جلب توجه نسبت به آثار سوء زیاده‌گویی به ذکر چند کلام نورانی از حضرت علی (ع)



کثرة الکلام تبسط حواشیه و تنقص معانیہ فلا یری له امد و لا ینتفع به احد. ۲۳

پرگویی، سخن را دراز دامن و تنک مایه می کند به گونه‌ای (که) هیچ پایانی برای آن دیده نمی شود و هیچ کسی از آن بهره مند نمی گردد.

در کلامی دیگر حضرت به خستگی حاصل از اطاله کلام اشاره می کند و می فرماید:

«کثرة الکلام تملّ السّمع؛ پرگویی گوش را خسته می کند».^{۲۴}

در جایی دیگر، حضرت یکی از نشانه‌های خردورزی را کم‌گویی و گزیده‌گویی برمی شمارد و می فرماید:

من امسک عن فضول المقال شهدت بعقله الرجال^{۲۵}.

هر کس از گفتن اضافات سخن پرهیزد، بزرگان به خردورزی اش گواهی دهند.

رساترین سخن از نظر ایشان سخنی است که افزون بر درستی، کوتاهی در خور داشته باشد:

«ابلاغ البلاغة ما سهل فی الصواب؛ رساترین سخن آن است که افزون بر درستی، کوتاهی آن در خور باشد».^{۲۶}

در پایان لازم به ذکر است که پرهیز از زیاده‌گویی نباید به اندازه‌ای باشد که آسیب جدی به محتوا وارد کند؛ لذا در این زمینه باید توازن و تعادل رعایت شود حضرت علی (ع) می فرماید:

«خیر الکلام ما لایملّ و لایقل. بهترین سخن آن است که هم خسته کننده نباشد و هم اندک نباشد».^{۲۷}

با آن که سخن به لطف آب است

کم گفتن هر سخن ثواب است

آب از چشمه زلال خیزد

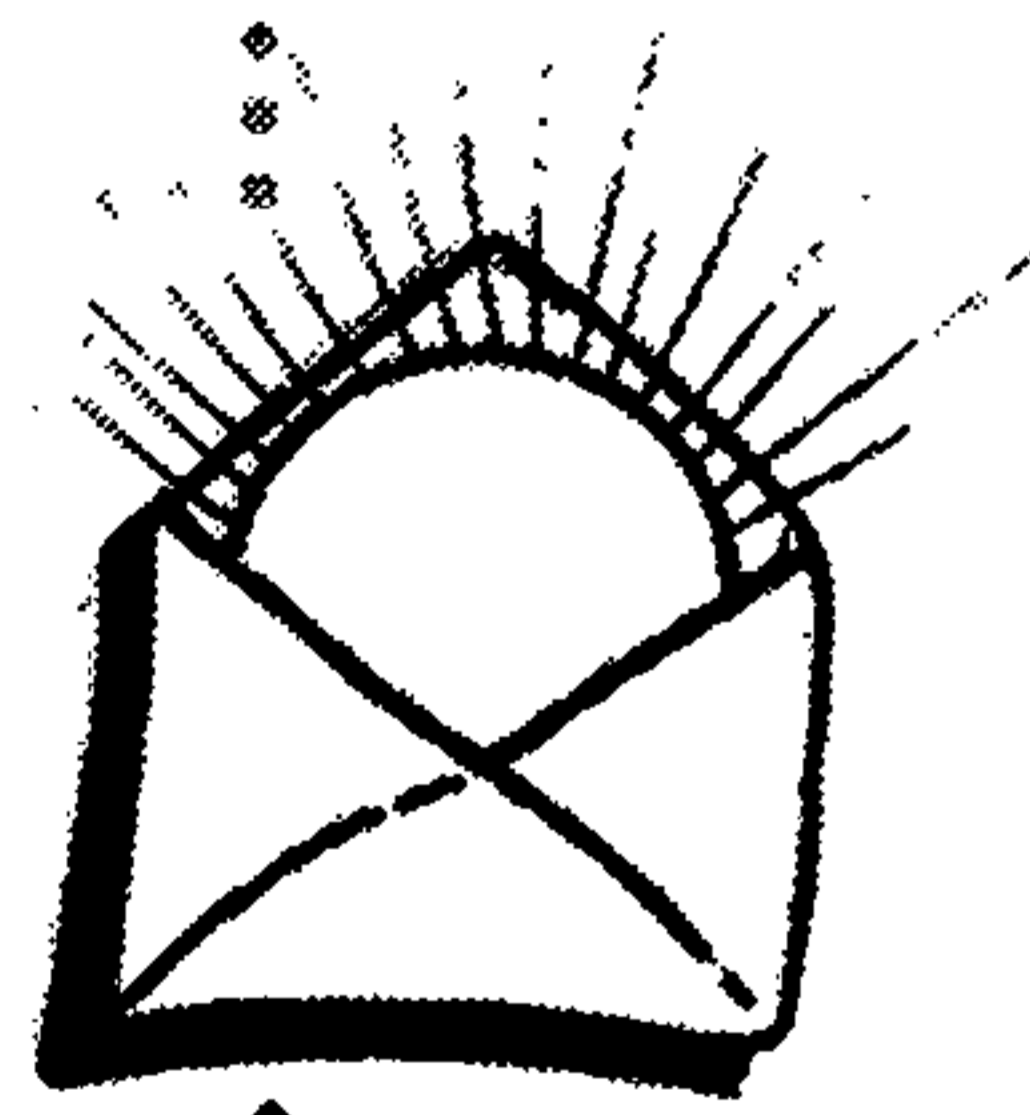
از خوردن پُر ملال خیزد

کم گوی و گزیده گوی چون در

تا زانک تو جهان شود پر

خ) نتیجه‌گیری و جمع بندی مناسب

یکی از نکات کلیدی که در جاذبیت محتوا تأثیر دارد و موجب حلاوت و شیرینی بحث می گردد، نتیجه‌گیری مناسب و خوب در پایان آن است. این مسئله اثر روانی خیلی خوبی بر مخاطب می گذارد. که در این نوشتار فرصت پرداختن به آن نمی باشد. در این زمینه فقط به



این کلام نورانی امیربیان حضرت علی(ع) اشاره می‌کنیم:

من قام بفتح القول و رتقه فقد حاز البلاغه: ۲۸

هر کس بتواند دامنه سخن را بگستراند و سپس آن را خوب جمع بندی کند بی گمان به رسایی سخن دست یافته است.

بعد از پرداختن به اصولی که باید برای تعیین محتوا به آن توجه شود، به اصل شناخت و تسلط بر محتوا می‌پردازیم.

شناخت محتوا، تسلط و اشراف بر آن

یکی دیگر از شناخت‌های ضروری پس از تعیین محتوا، شناخت محتوا و تسلط و اشراف بر آن است. به میزانی که آموزش بر موضوع درسی خود تسلط داشته باشد از جایگاه والا و بلندتری در منظر فراگیر، برخوردار خواهد بود. هر چند محتوای پیام زیبا و قابل توجه باشد، ولی اگر پیام دهنده بر آن تسلط نداشته باشد، در ابلاغ پیام موفق نخواهد بود. مسئله قابل ذکر دیگر این است که، در صورتی که مربی نسبت به پیام از تسلط کافی برخوردار نباشد، مجبور به کش دادن آن می‌شود که خود، از عوامل مخّل در ارسال پیام است و خستگی و کسالت روحی فراگیر را به دنبال دارد. با توجه به مطالب ذکر شده، آگاهی ژرف از محتوا، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است که در دیدگاه وحیانی هم از جایگاه بالایی برخوردار است. در قرآن این مهم به زیبایی مورد توجه قرار گرفته و به کسانی که رسالت خطیر ابلاغ پیام الهی را عهده دار می‌باشند می‌فرماید:

﴿وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرْنَا مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ﴾^{۲۹}

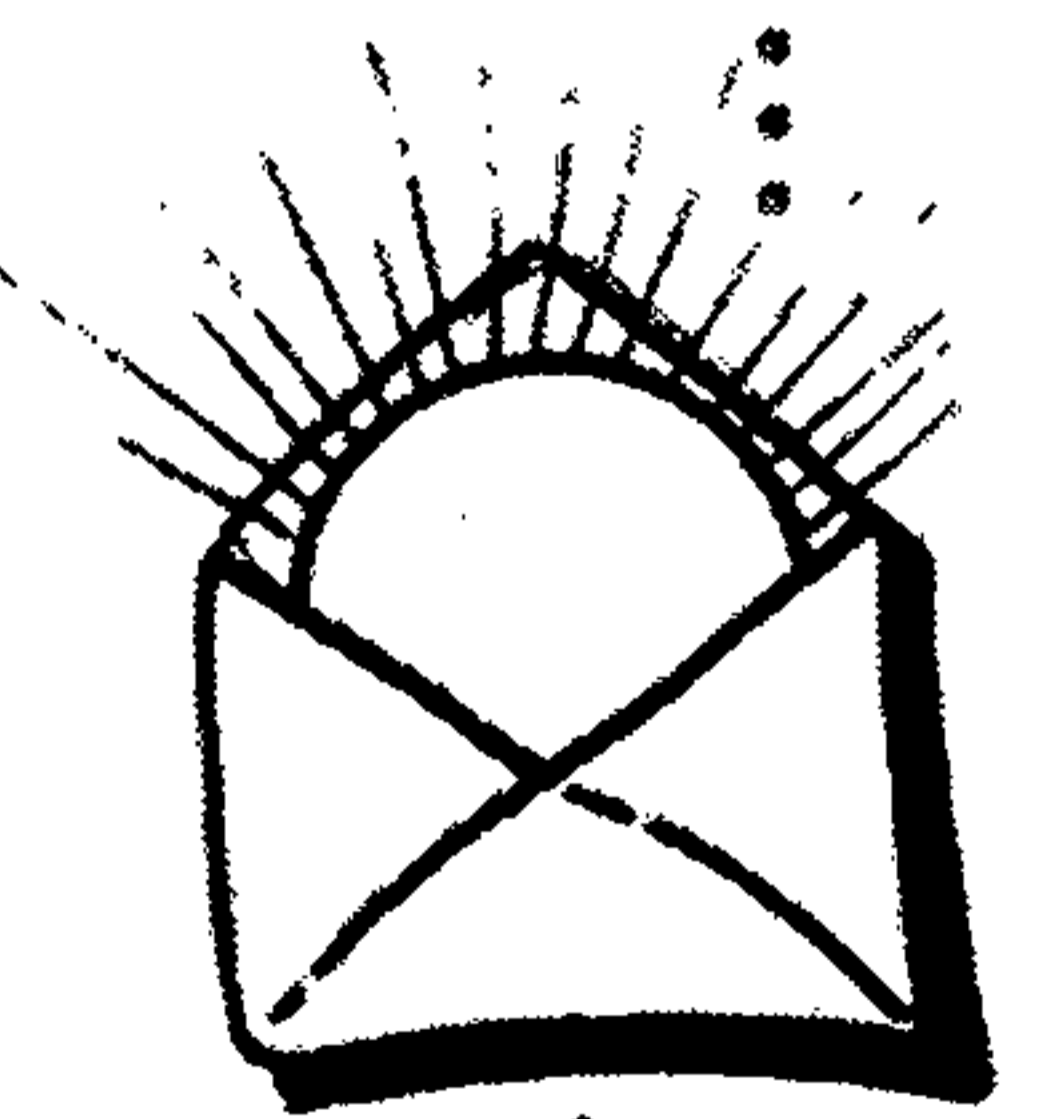
و شایسته نیست که مؤمنان همگی برای جهاد کوچ نمایند. پس چرا از هر گروهشان، دسته‌ای کوچ نمی‌کنند، تا در دین آگاهی یابند و مردم خویش را که به سویشان بازگشتند هشدار دهنده باشد که پروا کنند؟

یا در آیه دیگر می‌فرماید:

﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي...﴾^{۳۰}

بگو این راه من است که من و پیروانم باینش (کامل) به سوی خدا فرامی‌خوانیم....

همان طور که ملاحظه می‌کنید دعوت به سوی خدا از روی بصیرت و بینش در این آیه، مورد تأکید قرار گرفته است. رعایت این اصل در مباحث مهدوی از اهمیت بیش‌تری برخوردار است؛ چرا که با توجه به وجود اختلاف نظرها و شبهات فراوان در اذهان افراد و تا حدودی خارق العاده بودن مسئله وجود مبارک امام زمان و دامنه و گستردگی مباحث در این حوزه و عوامل



متعدد دیگر، لازم است که مبلغ تا احاطه کافی به همه جوانب بحث ندارد و خود از موضوع اطلاعات کافی و دقیق و قابل ارائه به دست نیاورده است وارد این حوزه نشود. متأسفانه در این باره آسیب‌های فراوانی به جریان مهدوی وارد شده؛ زیرا هرکس با هر مقدار اطلاعات و آمادگی به خود اجازه می‌دهد که وارد این مقوله شود و ماحصل و نتیجه این اقدام جز ایجاد تردید، ناباوری و گاهی اوقات انکار ثمره دیگری نداشته است.

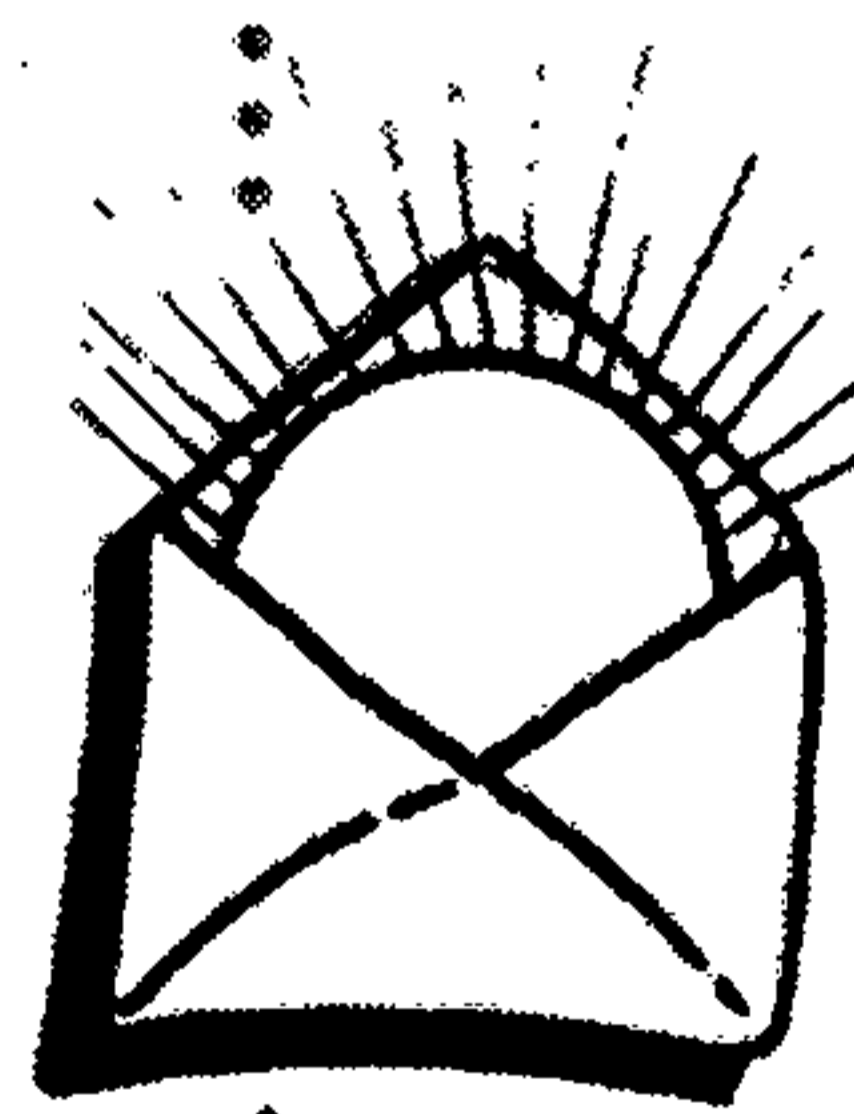
جمع بندی و نتیجه‌گیری

در مجموع با توجه به مباحث مطرح شده، اشکالات اساسی در فعالیت‌های فرهنگی در حوزه مهدویت عبارتند از:

۱. استفاده نکردن از تکنولوژی و فن آوری اطلاعات؛
۲. اشکالات بینشی و نگرشی؛
۳. ساختاری و منطقی؛
۴. عدم استفاده از حیطة نگرشی.

از دیدگاه روان‌شناسان تربیتی «ایجاد تغییر در نگرش» حرف اول را می‌زند. حوزه عاطفی را باید نسبت به معارف عوض کنیم. به بیان دیگر طرز تلقی افراد جامعه نسبت به مسئله مهدویت، نگرش آنان را تشکیل می‌دهد که اگر این طرز تلقی مثبت باشد نگرش مثبت پیدا می‌کند. اگر نگرش مثبت شد، حتماً به تغییر منجر می‌شود و مهم‌ترین گام برای تغییر نگرش ارائه اطلاعات است. نگرش منفی با ارائه اطلاعات درست، مثبت می‌شود و اگر نگرش عوض شد رفتار فرد هم، همان‌طور که گفته شد، تغییر می‌کند.

از آن‌جا که اطلاعات در تغییر نگرش‌ها نقشی اساسی دارد، باید افرادی که عهده دار انتقال این اطلاعات هستند از صلاحیت‌های لازم شناختی، عاطفی و عملکردی (مهارتی) برخوردار باشند تا بتوانند با ارائه اطلاعات اصولی، صحیح و سنجیده، نگرش و یا طرز تلقی افراد جامعه را نسبت به مباحث مهدویت در جهت مثبت تغییر دهند. این مهم‌ترین و مطلوب‌ترین و مؤثرترین گام برای نهادینه سازی فرهنگ مهدویت است.



پی‌نوشت‌ها

۱. بقره / ۲۸۶.
 ۲. غررالحکم، ص ۳۶۴.
 ۳. ر. ک: علامه جعفری، حکمت اصول سیاسی اسلام، ص ۱۳۳.
 ۴. ینابیع المودة، ص ۴۰۱.
 ۵. ر. ک: تجاسب، کامیاب نگاه نظام آموزشی به دین، دین دانی یا دین داری، ص ۴۹.
 ۶. بحث پیرامون حیطة عاطفی و مراحل آن در کتاب‌های شیوه‌ها و متون تدریس مفصل مورد بحث قرار گرفته که علاقه‌مندان می‌توانند برای مطالعه بیش‌تر به این کتب مراجعه کنند.
 ۷. دخان / ۵۸.
 ۸. قمر / ۱۷.
 ۹. بحارالانوار، ج ۲، ص ۵۲.
 ۱۰. غررالحکم، ص ۱۱۱.
 ۱۱. همان، ص ۱۳۳۱.
 ۱۲. بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۱۶۵، ج ۲.
 ۱۳. نهج البلاغه، حکمت ۲۶۳.
 ۱۴. فروع کافی، ج ۸، ص ۲۶۸؛ ترجمه اصول کافی، ج ۱، ص ۲۷.
 ۱۵. الخرائج، ج ۲، ص ۷۸۲.
 ۱۶. طوسی، الغیبة، ص ۲۶۶.
 ۱۷. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۵.
 ۱۸. ر. ک: فصلنامه تخصصی انتظار، شماره ۵، چاپ دوم، ص ۱۵۴ تا ۱۹۴.
 ۱۹. غررالحکم، ص ۹۹۵.
 ۲۰. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶، اصول و مبادی سخنوری، ص ۲۷۵.
 ۲۱. غررالحکم، ص ۹۹۱.
 ۲۲. میزان الحکمة، ج ۳، ص ۴۰.
 ۲۳. غررالحکم، ص ۱۳۶۲.
 ۲۴. همان، ص ۹۹۵.
 ۲۵. همان، ص ۹۴۸.
 ۲۶. همان، ص ۱۱۱.
 ۲۷. همان، ص ۹۳۱.
 ۲۸. همان، ص ۹۰.
 ۲۹. توبه / ۱۲۲.
 ۳۰. یوسف / ۱۰۸.
- منابع**
- قرآن کریم
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، انتشارات مشهور، ۱۳۷۹.
- محمدی‌ری‌شهری، محمد. میزان الحکمة، قم، مرکز تحقیقات دارالحدیث، چاپ دوم، ۱۳۷۹.
- کریمی عبدالعظیم، تربیت آسیب زاء، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، چاپ سوم، ۱۳۷۴.
- تجاسب، کامیاب، نگاه نظام آموزشی به دین (دین دانی یا دین داری)، تهران، انتشارات امجد، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- رحمانی یزدی، علی، نقد باورهای غلط تربیتی، تهران، انتشارات مشهور، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- دژاکام، علی، معرفت دینی، تهران، مرکز پژوهش‌های اسلامی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- شحاته، الدكتور حسن، تعلیم الدین الاسلامی بین النظرية و التطبيق، قاهره، مکتبه الدار العربیة الکتاب، چاپ سوم، ۱۹۹۸.
- تی، بی، شبرد، آموزش و پرورش زنده، ترجمه احمد آرام، مرکز انتشارات آموزشی سازمان پژوهش و نوسازی آموزش، تهران، انتشارات سروش، چاپ اول، ۱۳۵۷.
- باهنر، ناصر، آموزش مفاهیم دینی، همگام با روان‌شناسی رشد، تهران، چاپ و نشر بین‌الملل، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۸.

